۳۱
فقه و زندگی

طلافروشان

سید مرتضی شجاعی
روح‌الله جلالوند



احکام طلافروشان

مشخصات کتاب

سرشناسه : طباطبایی، سیدمرتضی، 1345 -

عنوان و نام پدیدآور : طلافروشان/ سیدمرتضی طباطبایی ، روح الله جلالوند؛ به سفارش پژوهشکده امر به معروف و نهی از منکر.

مشخصات نشر : قم: معروف، 1393.

مشخصات ظاهری : 120 ص.؛ 11×19 س م.

فروست : فقه و زندگی؛ 21.

شابک : 25000 ریال:978-600-6612-26-3

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : کتابنامه: ص.113-119؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : طلا -- جنبه های مذهبی-- اسلام

موضوع : معاملات (فقه)

شناسه افزوده : جلالوند، روح الله، 1341 -

رده بندی کنگره : BP190/1/ط23ط8 1393

رده بندی دیویی : 297/372

شماره کتابشناسی ملی : 3639294

اشاره

ص: 2

ص: 3

ص: 4

فهرست

سخن پژوهشکده.....9

مقدمه 15

فصل اول: کلیات

تعریف جواهر و طلا. 21

طلا و جواهرات ، پشتوانه انتشار پول. 23

تولید طلا. 24

محک. 26

عیار.....26

طلا و نقره درآموزه های دینی 26

سُدَیر طلا فروش. 31

دانستنی های صنف. 33

تبلیغات طلا و هدایت جامعه بسوی تجمل. 34

کنز یااحتکار طلا. 36

کمینگاه ابلیس.....37
فصل دوم:مسائل مالی طلا
ساخت طلا و جواهرات. 44
قاچاق طلا. 44
طلای مردانه. 46
خرید و فروش طلا و نقره (بیع صرف). 49
شرائط معامله طلا و نقره. 51
شرط اول.....51
شرط دوم.....52
فاکتور. 53
جدا کردن نگین زیورآلات. 54
پرسش و پاسخ (تبدیل شمش به زیورآلات). 55
تعمیر طلا. 56
ماجرای یونس نقاش. 56
خرده های طلا. 57
ربا. 58
ربای قرضی.....59
ربای معاملی 60
پرسش و پاسخ(وظیفه رباخوار). 62

معنای بطلان معامله. 62
قرض دادن طلا. 63
مدارا با بدهکاران. 64
پرسش و پاسخ (نوسان قیمت طلا). 66

عاریه طلا. 66
تفاوت عاریه با قرض :. 67
تفاوت عاریه با ودیعه(امانت). 68
عاریه طلا و نقره. 68
اجاره طلا. 69
استفتا.....71
گنج و معدن. 72
خمس گنج و معدن. 73
حکم گنجهای متعدد. 73
جواهر بدست آمده از راه غواصی. 74
(استفتا) خمس طلا. 75
زکات طلا. 76
فصل سوم : زینت و پوشش با طلا و جواهرات
طلا و زینت در نماز. 83
پرسش و پاسخ (نماز خواندن با طلا). 84
حلقه عقد. 85
پرسش و پاسخ (وظیفه مرد در قبال حلقه طلا). 85
سخنی با ورزشکاران (مدال طلا). 86
دندان طلا و روکش طلا. 86

نکته پزشکی. 87
ظروف طلا. 89
امام باقر علیه السلام و خانه ی مجلل. 91

ساخت ، خرید و فروش و استفاده از ظروف طلا. 92
فصل چهارم: مسائل متفرقه
طلا در مسجد. 97
مهریه. 98
کفارات و دیات. 100
طهارت.....102
حدود.....103
سرقت.....105
دیات.....107
قتل.....108
سقط جنین.....110
مال پیداشده (لُقطه).....111
فهرست منابع. 113

فقه و زندگی و سبک زندگی اسلامی

اسلامی شدن زندگی اجتماعی سه گام دارد:

1- شناخت معروف و منکر در فعالیت های فردی و روابط انسان و خداوند عز و جلّ

2- شناخت معروف و منکر در حوزه روابط اجتماعی و معاملات اقتصادی.

3- شناخت معروف و منکر در روابط دولت و ملّت

در گام اول فعالیت های فقهی، اخلاقی پژوهشهای اخلاق مدار فراوانی توسط عالمان و محققان پدید آمده و اصلاح و تقویت روابط عبادی، عقیدتی و معرفتی انسان با

خداوند متعال را مورد توجه قرار داده است.

گام دوم یعنی شناخت معروف و منکر در روابط اجتماعی و معاملات اقتصادی، کاری است که با وجود برخی از آثار علمی و پژوهشهای ارزشمند با نگاه تخصصی به هر صنف مورد توجه قرار نگرفته است. سلسله کتابهای «فقه و زندگی» به پژوهش و نگارش در حوزه اصناف خاص توجه دارد و بایدها و نبایدهای فقهی و اخلاقی و آداب اسلامی هر اتحادیه صنفی و دست اندرکاران مشاغل مختلف تولیدی، توزیعی، و خدماتی را محور پژوهش و نگارش و اطلاع رسانی خویش می داند.

گام سوم در شناخت معروف و منکر به روابط مردم و حکومت ها اختصاص دارد، اسلامی شدن روابط دولت و ملّت بالاترین گام به سوی رضای خداوند متعال محسوب می شود و در سایه ی پیروی از رهبری الهی و تسلیم دولت و ملت در برابر قوانین قرآن و عترت امکان پذیر است.

در حدود سال های 1372 ش با آغاز فعالیت های ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر طرح پژوهشی «فقه و زندگی» توسط جناب حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ محمد حسین فلاح زاده، در پژوهشکده باقرالعلوم(علیه السّلام) قم، پی ریزی شد. هدف طرح، تألیف و تدوین مجموعه کتابهایی در زمینه آداب و احکام اسلامی برای اصناف و مشاغل گوناگون اقتصادی و بازاریان کشور بود. با هماهنگی این دو نهاد فرهنگی تألیف

حدود بیست جلد از این مجموعه در سال های آغاز کمک خوبی به بازاریان متدین در زمینه شناخت احکام شرعی و حلال و حرام مشاغل بشمار می رفت. اما مثل بسیاری دیگر از طرح ها این کار هم به دلایل مختلف ناتمام ماند و در زمینه ی احکام فقهی بسیاری اصناف اثری فراهم نیامد.

ضرورت اسلامی شدن بازار، علاقه ی بسیاری از کسبه ی محترم در بخش های تولید و توزیع و خدمات و پیگیری ریاست محترم ستاد احیاء حجۀ الاسلام و المسلمین زرگر دام عزه العالی سبب احیای مجدّد این طرح پژوهشی کاربردی در سال 1393 ش شد و تالیف و تدوین کتبی دیگر در زمینه فقه اصناف در دستور کار پژوهشکده امر به معروف و نهی از منکر قرار گرفت.

در سالهای آغازین، این پژوهش ها با هدایت و حمایت ستاد و نظارت علمی و فقهی برادران گرامی حجج اسلام محمد حسین فلاح زاده و محمود مهدی پور شکل گرفت و بیست و چند دفتر از آن فراهم آمد. اینک بار دیگر پس از حدود چهارده سال، این کار ناتمام و بر زمین مانده به توفیق الهی و یاری همان دو برادر و همکاری گروهی از فضلای حوزه علمیه قم در پژوهشکده امر به معروف پیگیری می شود.

همیشه اصناف محترم و صاحبان مشاغل در انجام وظیفه خود نیاز به احکام و قوانین الهی دارند و لازم است معروف و منکرات صنفی را بشناسند. تحوّلات صنفی و دگرگونی ها در حوزه کسب و کار سبب می شود که احکام بر اساس نیازهای روز مورد بازنگری فقهی و علمی قرار گیرد و تفقه و اجتهاد جدید ضرورت یابد. از این رو بار دیگر با استفاده از فتاوی مراجع بزرگوار تقلید و قوانین مصوب شورای نگهبان موضوعات کار نشده در برنامه پژوهشی قرار گرفت و بیست اثر جدید تحقیق و تولید شد. عناوین پژوهش های سال 1393 ش بدین شرح است:

1- احکام صنف طلا و جواهر

2- احکام تلفن همراه

3- احکام بازی های رایانه ای

4- احکام صنف اتوبوس رانی

5- احکام صنف فرش و تابلو فرش

6- احکام صنف کیف و کفش سراجان

7- احکام صنف ماهی فروشان

8- احکام صنف ناشران

9- احکام صنف پوشاک

10- احکام صنف نانوایان

11- احکام صنف اینترنت و رایانه

12- احکام صنف پرندگان و پرنده فروشان

13- احکام صنف اغذیه فروشان

14- احکام صنف پارک ها

15- احکام صنف پزشکان

16- احکام صنف قهوه خانه ها

17- احکام صنف الکتریکی

18- احکام صنف داروخانه ها

19- احکام صنف صوتی و تصویری

20- احکام بیمه ها

دفتر از فقه و زندگی که با تلاش برادران گرامی حجج الاسلام سیدمرتضی طباطبایی ، روح الله جلالوند پدید آمده به احکام صنف اختصاص یافته است و امیدواریم محققان و بازاریان محترم با ارائه تجارب و مسائل شرعی خویش ما را در تکمیل این اثر یاری کنند.

با درخواست توفیق از خداوند دانا و توانا و یاری محققان حوزوی و همراهی اصناف کشور، بسیج اصناف و مسؤلان ستادهای امر به معروف، می توان به سوی اسلامی شدن بازار، آرامش روانی جامعه، کاهش جرم و تخلفات اقتصادی و کسب رضای حضرت حق گامهایی بلندتر برداشت.

امیدواریم با شناخت احکام الهی در تمام بخش ها و اجرای آن در زندگی فردی و اجتماعی و در سایه فقه ناب اسلامی و با هدایت حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف، توحید و عدالت در سراسر حاکم گردد. ان شاءالله.

قم پژوهشکده امر به معروف و نهی از منکر خیابان

سمیه کوچه 12 پلاک 355

Al-adl.ir

info@al-adl.ir

مقدمه

وقتی صحبت از زندگی و شئون متفاوت آن می شود ، «کار»، یکی از پررنگ ترین بخشهای آن را تشکیل می دهد به صورتی که زندگی بدون کار نه تنها رونقی ندارد بلکه خسران و پسرفت می باشد. اسلام نیز به عنوان یک مذهب جامع که برای تمام لحظات و حالات برنامه دارد ، اهمیت زیادی برای کار قائل شده است تا جایی که رسول خدا صلی الله علیه وآله در روایتی می فرمایند: کسی که بر اثر خستگی از کار و تلاش به خواب رود ، آمرزیده می شود.(1) در بین انگیزه های کار و تلاش نیز یکی از برترین انگیزه ها ، همانطور که در سخنان ائمه اطهار علیهم السلام موجود است ، فراهم کردن مخارج خانواده می باشد ؛ تا جایی که آن تلاشگری را که برای خانواده

1- عن رسول الله صلی الله علیه وآله : من بات کالا من طلب الحلال بات مغفورا له (وسائل الشیعه ج17 باب 4 ص24)

خود زحمت می کشد را هم تراز مجاهدان در راه خدا قرار می دهد.(1)

عملی با این عظمت حتما دارای آداب و احکامی است که از نظر شارع پنهان نمانده است، بلکه جهات گوناگون آن مورد توجه قرار گرفته است؛ مثلا بهترین وقت برای کسب روزی را صبح زود دانسته اند(2). و با فضیلت ترین سحرخیزی را برای کسی معین می کنند که برای تامین مخارج زندگی خانواده اش سحرخیزی کرده است.(3)

با توجه به اینکه کار و کسب روزی یکی از مهمترین برنامه های روزانه هر شخص محسوب می شود و در قالب شغل های مختلف تحقق می پذیرد، فقهای اسلام احکام و آداب فراوانی برای فروشنده و خریدار ذکر نموده اند. هدف اصلی این کتاب بیان احکام مرتبط با طلا و جواهرات می باشد و تنها به فهرستی فشرده از آداب و احکام عمومی تجارت اشاره می کنیم:

یادگرفتن مسائل تجارت ؛

حرص نداشتن در کسب روزی ؛

1- قال الصادق علیه السلام : الکاد علی عیاله کالمجاهد فی سبیل الله (کافی ج9ص566
2- قال امیرالمومنین علیه السلام : الْبُکُورُ فِی طَلَبِ الرِّزْقِ یَزِیدُ فِی الرِّزْق (وسائل الشیعه ج 15 ص347)
3- عَنْ عَلِیٍّ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ مَا غَدْوَهُ أَحَدِکُمْ فِی سَبِیلِ اللَّهِ بِأَعْظَمَ مِنْ غَدْوَتِهِ یَطْلُبُ لِوُلْدِهِ وَ عِیَالِهِ مَا یُصْلِحُهُم (دعائم الاسلام ج2 ص15)

کوتاهی نکردن در طلب رزق حلال؛

پذیرفتن قول کسی که از معامله پشیمان شده؛

با وضو بودن ؛

فرق نگذاشتن بین مشتری ها ؛

قسم نخوردن ؛

پوشاندن عیب کالا ؛

مشتری بعد از عقد درخواست کم کردن قیمت کالا را نکند.

مشتری کالایی را که می خواهد بخرد مذمت نکند.

دخالت نکردن و برهم نزدن معامله دیگران.

برای تمام مشاغل احکام کلی وجود داردکه در رساله های عملیه و کتب فقهی موجود است، اما از آنجا که هر صنف و شغل احکامی را هم بصورت اختصاصی دارد ، سری کتب فقه و زندگی تألیف و تدوین شده است تا احکام مختص به هر صنف در اختیار مرتبطین با آن قرار گیرد.

طلافروشی هم یکی از همین مشاغل و اصناف است که گروه زیادی با اشتغال به آن نیاز خود و جامعه را تأمین می کنند. در کتاب حاضر با تکیه بر نظرات فقهای اسلام و حضرت امام خمینی قدس سره احکام طلا و جواهر و شرح وظایف خریدار و فروشنده، بیان شده است.

ص: 17

ص: 18

فصل اول : کلیات

اشاره

ص: 19

ص: 20

تعریف جواهر و طلا

جواهر اصطلاح به چیزی می گویند که برای تزئین انسان یا غیر آن به کار می رود. عده ای از مردم جهان، برای قسمت های مختلف بدن خود از جواهرات خاصی استفاده می کنند. متداول ترین آنها عبارتند از گوشواره ، گردنبند ، دستبند و انگشتر می توانند از هر ماده ای ساخته شوند اگر چه معمولا موادی مانند سنگهای قیمتی و فلزهای قیمتی در ساختن آنها به کار می روند.

بطور کلی جواهر و زینت آلات را می توان به دو قسم تقسیم نمود:1. سنگها 2. فلزات

برخی از سنگهای قیمتی عبارتند از : برلیان ، زبرجد ، زمرد ، الماس ، عقیق ، فیروزه ، یاقوت و حدید و ... . از نظر علم شیمی به هر کدام از این سنگ ها «کانی» گفته می شود که دارای فرمول خاصی می باشند. خواص فراوانی

ص: 21

برای سنگهای زینتی ذکر شده است . بعنوان مثال از امام علی ابن موسی الرضا علیهما السلام نقل شده است که «عقیق» ، فقر و نفاق را از انسان دور می نماید(1). در بیان ویژگی های سنگ فیروزه می توان به این روایت از امام کاظم علیه السلام اشاره نمود که حضرت امیرالمومنین علیه السلام انگشتری با نگین فیروزه داشتند . امام کاظم علیه السلام آن را برای اصحاب اینگونه معرفی نمودند: سنگی است که جبرئیل از بهشت برای حضرت رسول اکرم صلوات الله علیه و آله هدیه آوردند و ایشان نیز این سنگ را به امیرالمومنین علیه السلام هدیه نمودند (2).

علاوه بر روایات معصومین علیهم السلام ، پیشینیان نیز دارای اعتقادات خاصی نسبت به سنگها داشته اند مانند یاقوت سرخ که در کلام محمد بن محمود همدانی اینگونه آمده است: هر که یاقوت با خود دارد، خون در تن وی صافی کند و از خُمود و سکته و صرع ایمن بود.(3)

1- کافی ج 6 ص 47ٍ0 عَنِ الرِّضَا ع قَالَ: الْعَقِیقُ یَنْفِی الْفَقْرَ وَ لُبْسُ الْعَقِیقِ یَنْفِی النِّفَاقَ.
2- کافی ج 13 ص 91 أَبِی الْحَسَنِ مُوسی علیه السلام وَ فِی إِصْبَعِهِ خَاتَمٌ فَصُّهُ فَیْرُوزَجٌ، نَقْشُهُ «اللَّهُ الْمَلِکُ» فَأَدَمْتُ النَّظَرَ إِلَیْهِ، فَقَالَ: «مَا لَکَ تُدِیمُ النَّظَرَ إِلَیْهِ؟». فَقُلْتُ: بَلَغَنِی أَنَّهُ کَانَ لِعَلِیٍّ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام خَاتَمٌ فَصُّهُ فَیْرُوزَجٌ، نَقْشُهُ «اللَّهُ الْمَلِکُ».فَقَالَ: «أَ تَعْرِفُهُ؟» قُلْتُ: لَا، فَقَالَ: «هذَا هُوَ ، تَدْرِی مَا سَبَبُهُ؟» قُلْتُ: لَا، قَالَ:«هذَا حَجَرٌ أَهْدَاهُ جَبْرَئِیلُ علیه السلام إِلی رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مِنَ الْجَنَّهِ ، فَوَهَبَهُ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله لِأَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام، أَ تَدْرِی مَا اسْمُهُ؟» قُلْتُ: فَیْرُوزَجٌ، قَالَ: «هذَا بِالْفَارِسِیَّهِ، فَمَا اسْمُهُ بِالْعَرَبِیَّهِ؟» قُلْتُ: لَاأَدْرِی، قَالَ: «اسْمُهُ الظَّفَرُ»
3- دانشنامه آزاد ویکی پدیا

فلزات گرانبها انواعی دارد مانند : طلا ، نقره ، پالادیم، پلاتین و ... . در میان این فلزات طلا بواسطه خصوصیات ظاهری و اعتبار جهانی از ارزش خاصی برخوردار می باشد طلا فلزی نرم و شکل پذیر به رنگ زرد روشن و براق است که در مجاورت آب و هوا زنگ نمی زند و سیاه نمی شود. ارزش طلا به دلیل کمیابی آن، کاربردپذیری آسان، تصفیه راحت، مقاومت در مقابل زنگ زدن و خوردگی، رنگ متمایز و ویژگی هایی است که در کمتر فلز دیگری دیده می شود. طلا علاوه بر کاربرد سرمایه ای و استفاده در جواهرات کاربردهای گوناگون دیگری از جمله در دندان پزشکی، تولید شیشه های رنگی و با توجه به رسانایی الکتریکی بالا، در صنایع الکترونیک کاربرد دارد.

طلا و جواهرات ، پشتوانه انتشار پول

پول آن چیزی است که انسان برای بدست آوردن کالایی یا خدماتی در اختیار طرف مقابل خود قرار می دهد. بنابراین پول هر چیزی می تواند باشد همانطور که در گذشته برای خرید کالای مورد نظر، کالای دیگری را به فروشنده می دادند که اصطلاحا معامله کالا به کالا نام گرفته است. بعد از مدتی طلا و نقره بعنوان پول استفاده می شدند . درهم و دینار نامهایی هستند که برای سکه های نقره و طلا انتخاب شدند. دشواری و مشقات حمل و نقل

و همچنین اختلافاتی که در وزن و اندازه این سکه ها در شهرهای گوناگون بود آنها را نیز از گردونه داد وستدها خارج نمود بنابراین نوبت به پول های امروزی که بصورت سکه و اسکناس هستند رسید. پول های جدید هیچ ارزش ذاتی ندارند بلکه اعتبار و ارزش آن ها به حکومت و دولت هایی است که آن را منتشر می نمایند. اگر چه این اعتبار و ارزش متکی به مقدار طلا وجواهرات وسایر فلزات و اشیاء گران بهایی است که دولتهای متتشر کننده ی اسکناس در خزانه های خود دارند و آنها را "پشتوانه " چاپ و انتشار اسکناس قرار داده اند .

رابطه چاپ اسکناس با پشتوانه آن بدین گونه است که اگر مثلا امروز در برابر یک گرم طلا صد هزار ریال اسکناس چاپ و منتشر می کنند اگر فرضا همین مبلغ به دست کسی برسد پس از یکسال یا چند سال دیگر باید بتواند با همان صد هزار ریال یک گرم طلا را خریداری کند و اگر مجبور شود مبلغی بیشتر اسکناس بپردازد گرانی یا تورم می باشد. (1)

تولید طلا

کمیابی طلا ، دور از دسترس بودن آن و مشقات تبدیل

1- سایت دانشنامه آزاد ویکی پدیا

مواد اولیه آن به کالای تجاری سبب چند برابر بودن ارزش طلا بالنسبه به فلزات دیگر شده است به طوریکه سی تُن سنگ معدن، زباله می شود تایک حلقه انگشتر بدست آید. زباله های سنگ معدن طلا ، منبع بسیاری از عنصرهای سنگین مانند کادُمیم، سرب، روی، مس، آرسنیک، "سلنیم و جیوه است. زباله های باقیمانده از معادن طلا بعنوان زباله های بلندمدت خطرناک در کنار ضایعات هسته ای قرار می گیرد.

اگر مکعبی را با اضلاع 21 متر بسازیم توانسته ایم ظرفی برای طلاهایی که از حدود سال 1880میلادی تا 2012 میلادی استخراج شده است ، بسازیم. نیمی از این منبع گرانبها صرف ساخت جواهرآلات و زیورآلات شده است و مابقی آن یا بعنوان ذخائر کشورهای جهان در بانکهای مرکزی نگهداری می شود یا در پزشکی و صنعت به بهره برداری می رسد.

نیمی از طلاهای تولیدی جهان از کشور آفریقای جنوبی است بطوری که رکورد استخراج و تولید 1480تن طلا در یک سال را به خود اختصاص داده است . بیشترین تقاضای طلا از جانب دو کشور هند و چین صورت گرفته است . بنظر می رسد که 18هزار تن طلا در خانه های هند ذخیره شده است.

ص: 25

محک

نیتریک اسید که توان حل کردن نقره وفلزهای پایه را دارد در برابر طلا ناتوان است و نمی تواند آن را ذوب نماید. این ویژگی نیتریک اسید در آزمون اسید برای شناسایی و تایید طلا به کار می آید.

عیار

به دلیل نرمی بالای طلای خالص(24 عیار) آن را با فلزات دیگر آلیاژ (مخلوط) می کنند . مس رایج ترین فلز برای ساخت آلیاژ طلاست و گاهی از فلزات دیگری مثل نقره، نیکل، و پالادیم هم استفاده می شود.

درصد طلای موجود در هر مصنوع فلزی به عنوان عیار طلا نامیده می شود که معمولا از واحد 24 یا واحد 1000 بیان می شود. مثلا طلای 18 عیار (یا750) حاوی 75 درصد طلاست . (1)

طلا و نقره در آموزه های دینی

«هُوَ الَّذی خَلَقَ لَکُمْ ما فِی الْأَرْضِ جَمیعاً ثُمَّ اسْتَوی إِلَی السَّماءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَماواتٍ وَ هُوَ بِکُلِّ شَیْ ءٍ عَلیمٌ »(2)

اوست که آنچه در این زمین است همه را برای شما

1- سایت جامع دانشنامه ویکی پدیا
2- بقره/ 29

آفرید، سپس به (آفرینش) آسمان پرداخت پس آنها را به صورت هفت آسمان (مطابق حکمت و خالی از نقص در خلقت) مرتب و منظم ساخت، و او به همه چیز داناست.

مخلوقات الهی هیچکدام بی دلیل خلق نشده اند و همه تابع اهدافی هستند که خداوند متعال با حکمت خود در نظر گرفته است . موجودات و اشیایی هم که در زمین هستند از این قاعده مستثنی نبوده و با توجه به آیه فوق دارای غایت مشخص و معینی می باشند که آن هدف والا، «بهره مندی انسان»خواهد بود. انسان نیز بطور طبیعی بدنبال برآوردن نیازهایش ، رفته رفته سعی نموده همه موجودات را به اختیار درآورده، از همه ابزار و امکانات اطراف خود استفاده کند و اتفاقات جدیدی را در زندگیش رقم زند . یکی از نعمتهای الهی که خدا در دل زمین قرار داده و بشر توانسته به آن دست یابد جواهرات است که طلا و نقره نمونه هایی از انواع آن می باشند .

با گذشت زمان و معلوم شدن کارایی هر کدام از اشیایی که از زمین استخراج شده اند ، طلا و جواهرات جایگاه خاصی پیدا کردند، جایگاهی که از «نیاز به زیبایی» در انسان ها بدست آمده است. برخی از انسان ها که می خواستند و می خواهند خود را «زیبا» و «آراسته» جلوه دهند از زیورآلات بهره می گیرند. این عمل در

بسیاری از موارد با مخارج زیادی همراه است که فراهم کردن و تکاپو برای رسیدن به آن و تهیه انواع گوناگونش ، خود سبب بخشی از جذابیت های آن خواهد بود ؛ زیرا هر چه دور از دسترس بنماید ، انگار خصوصیتی قابل توجه دارد که سبب گرانی آن شده است . (إنّ ابن آدم لحریص علی ما منع(1)) انسان از این نعمتها که خداوند متعال در اختیارش قرار داده و اصلا برای او خلقش نموده است بهره می برد اما نباید از شرایط استفاده آن نیز غافل باشد. خداوند حدودی را نیز معین نموده و کسانی را که یک زن مسلمان می تواند زینتهای خود را در مقابل آنان مخفی نکند برمی شمارد. (2)

ممکن است کسانی در این مسیر دچار انحراف شده، به حدودی که در دین گفته شده بی توجهی کنند و بجای اینکه جواهرات را وسیله ای برای زینت حلال قرار دهند ، آن را ابزاری برای چشم و هم چشمی و آزار اطرافیان خود قرار دهند ؛ در اینصورت نعمت خدا را در غیر محلش مصرف نموده اند.

بعض مفسرین قرآن از آیه شریفه «هُوَ الَّذی خَلَقَ لَکُمْ

1- نهج الفصاحه ص268
2- (نور/31)

ما فِی الْأَرْضِ»(1) نکته لطیفی برداشت کرده اند که قابل توجه می باشد:

خدا در این آیه فرموده است: هر آنچه در زمین وجود دارد برای انسان خلق شده است . از این کلام می توان استفاده کرد که آنها برای انسان خلق شده اند نه اینکه انسان برای آنها بوجود آمده باشد . به عبارت دیگر انسان نباید به گونه ای رفتار کند که خود را در اختیار جواهرات و دیگر دارایی هایش ببیند بلکه باید آنها را اشیایی بداند مانند باقی مخلوقات زمینی که خداوند برای استفاده در چارچوبی که در دین تذکر داده شده است در اختیارش قرار داده است .

بنابراین اصلا سزاوار نیست که کسی بخاطر رسیدن به این کالایی که ارزشش به خود انسان هاست به هر کاری دست بزند یا فکر خود را مشغول نماید . اینگونه رفتارها از جانب اهلبیت علیهم السلام مورد مذمت قرار گرفته است تا حدی که طلا و نقره را با وجود ظاهر زیبایشان سنگهای مسخ شده ای می دانند . «الذَّهَبُ وَ الْفِضَّهُ حَجَرَانِ مَمْسُوخَان»(2)

مسخ در کلام دانشمندان دینی یک نوع عذاب است

1- بقره/29
2- خصال ج1 ص44

که در قرآن چندین بار برای انسانهای روایت الانسان حریص علی ما منع در نهج البلاغه پیدا نشد اگرچه در منهاج البراعه(شرح نهج) آمده است.

تبهکار بکار رفته و معنای آن تغییر یافتن چهره به تصویری ناپسند می باشد. در ادامه روایت اینگونه آمده است:« فَمَنْ أَحَبَّهُمَا كَانَ مَعَهُمَا» کسی که آنها (طلا و نقره) را دوست داشته باشد ، با آنها خواهد بود. شیخ صدوق در کتاب شریف خصال در توضیح این عبارت فرموده اند: اگر کسی آنقدر این جواهرات را دوست داشته باشد که او را از محبت خداوند سبحان بازدارد ، از همان ها و همراه آنان خواهد بود .

وقتی به روایتی از وجود نورانی حضرت رسول اکرم صلوات الله علیه وآله نظری بیاندازیم ، بیشتر متوجه معنای این همراهی خواهیم شد: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ أَحَبَّنَا كَانَ مَعَنَا يَوْمَ الْقِيَامَهِ وَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا أَحَبَّ حَجَراً لَحَشَرَهُ اللَّهُ مَعَه (1)حضرت فرمودند: «کسی که ما را دوست داشته باشد ، در روز قیامت همراه ما خواهد بود » و در ادامه یک قانون کلی ارائه فرمودند: « اگر کسی یک سنگ را دوست داشته باشد، (روز قیامت) بهمراه آن سنگ محشور خواهد شد.»

در کنار جنبه زینتی طلا ، آنچه اکنون از اهمیت بالایی

1- روضه الواعظین و بصیره المتعظین (ط - القدیمه)، ج 2، ص: 418)

برخوردار است ، ویژگی طلا در معاملات و اعتبارات ملل جهان است . مجوز چاپ اسکناس در سراسر جهان ، میزان ذخائر طلای آن کشور می باشد . از این رو توجه به احکام طلا بعنوان با ارزشترین فلز موجود و رایج ترین وسیله زینت ضروری می نماید.

سُدَیر طلا فروش

ابی الفضل سدیر بن حکیم بن صهیب صیرفی معروف به سدیر صیرفی همانگونه که از کتب رجال و تاریخ برمی آید جزء موالیان و شیعیان اهلبیت علیهم السلام و از اصحاب سه امام معصوم (امام سجاد علیه السلام ، امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام) بوده است(1) .

سدیر و یکی دیگر از موالیان اهلبیت علیهم السلام ، در دوران حکومت یکی از حکام ظالم هم عصر با امام صادق علیه السلام به زندان افتادند. زید شحام که از اصحاب امام صادق علیه السلام است می گوید : هنگام طواف خانه خدا دستم در دست امام صادق علیه السلام ، بود که دیدم اشک از چشمان ایشان جاری است . ایشان رو به من کردند و فرمودند :من از خدایم در مورد «سدیر» و «عبدالسلام بن عبدالرحمن» تقاضایی دارم. (تقاضایم از خدا این است که) آنها را به

1- معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرجال، ج 9، ص: 37

من ببخشد و آزادشان نماید.(1) این روایت نشان از محبت امام علیه السلام به سدیر و عبدالسلام می باشد.

سدیر می گوید روزی به جهت سوالی که داشتم نزد امام باقر علیه السلام شرفیاب شدم . عرض کردم که : از حسن بصری خبری به گوش من رسیده است که اگر صحیح باشد ، پس انا لله و انا الیه راجعون (یعنی از شدت بزرگی اشتباه ، کار ما تمام است) . حضرت فرمودند چه شنیده ای ؟ عرض کردم : شنیده ام که حسن بصری می گوید : «اگر مغزم از حرارت خورشید به جوش بیاید به سایه خانه طلافروش پناه نمی برم و اگر جگرم از شدت تشنگی تکه تکه گردد از خانه طلافروش تقاضای آب نمی کنم» (من این جملات را شنیده ام) در حالیکه شغل و منبع درآمد من همین طلافروشی است ! گوشت و خون من با همین شغل رشد کرده است ! با همین شغل به حج و عمره مشرف شده ام ! دراین هنگام امام محمد باقر علیه السلام نشستند و فرمودند: حسن دروغ گفته است، تو حساب و کتاب دریافت و پرداختت را دقیق انجام بده ! و موقع نماز هر چه در دست داری رها کن و به نماز بایست ! آیا نمی دانی که اصحاب

1- رجال کشی ص 210 فی أبی الفضل سدیر بن حکیم و عبد السلام بن عبد الرحمن:

کهف صراف(1)

بوده اند !؟(2)

دانستنی های صنف

ساخت و فروش طلا و جواهر با وجود حدود 75 هزار مغازه طلافروشی (خُرده و عُمده) در کشور یکی از مشاغل و کاسبی های جامعه ماست. طبق آمار منتشر شده، منبع درآمد بیش از 5 میلیون نفر در کشور از ساخت و فروش و معاملات مرتبط با جواهرات است. در بین مصرف کنندگان جهان، ایران رتبه ششم را داراست که زینت و خودآرائی بیشترین سهم در کسب این رتبه را دارد . منابع آماری از وجود 120 تن طلا در خانه ایرانی ها

1- در این مورد اختلافات زیادی وجود دارد. عده ای می گویند که از ظاهر کلام امام علیه السلام می توان برداشت کرد که اصحاب کهف طلافروش بوده اند بهمین دلیل امام بعنوان مثال از آنها نام برد. اما عده دیگری قائلند که منظور امام از صیارفه ، معنای لغوی آن بوده است . صراف یعنی کسی که خوب و بد را از هم جدا می سازد . اصحاب کهف هم صیارفه کلام بوده اند یعنی کلام خوب را از بد جدا می ساختند. (الکافی (ط - الإسلامیه)، ج 5، ص: 114 ، پاورقی)

2- لِأَبِی جَعْفَرٍ (علیه السّلام) حَدِیثٌ بَلَغَنِی عَنِ الْحَسَنِ الْبَصْرِیِ فَإِنْ کَانَ حَقّاً فَ إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَیْهِ راجِعُونَ قَالَ وَ مَا هُوَ قُلْتُ بَلَغَنِی أَنَّ الْحَسَنَ الْبَصْرِیَّ کَانَ یَقُولُ لَوْ غَلَی دِمَاغُهُ مِنْ حَرِّ الشَّمْسِ مَا اسْتَظَلَّ بِحَائِطِ صَیْرَفِیٍّ وَ لَوْ تَفَرَّثَ کَبِدُهُ عَطَشاً لَمْ یَسْتَسْقِ مِنْ دَارِ صَیْرَفِیٍّ مَاءً وَ هُوَ عَمَلِی وَ تِجَارَتِی وَ فِیهِ نَبَتَ لَحْمِی وَ دَمِی وَ مِنْهُ حَجِّی وَ عُمْرَتِی فَجَلَسَ ثُمَّ قَالَ کَذَبَ الْحَسَنُ خُذْ سَوَاءً وَ أَعْطِ سَوَاءً فَإِذَا حَضَرَتِ الصَّلَاهُ فَدَعْ مَا بِیَدِکَ وَ انْهَضْ إِلَی الصَّلَاهِ أَ مَا عَلِمْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْکَهْفِ کَانُوا صَیَارِفَهً الکافی (ط - الإسلامیه)، ج 5، ص: 114

خبر می دهند(1) .

تبلیغات طلا و هدایت جامعه بسوی تجمل

وقتی هدف از کسب و کار انسانی که در اجتماع به سر می برد ، رسیدن به رفاه و آسایش شخصی در زندگی باشد و چشم خود را بر روی دیگر اتفاقات ببندد ممکن است که به هم نوعان و هم شهریان خود آسیب بزند . انسانی که ملاک در ارزش و مقام را ثروت های مادی در نظر بگیرد قطعا نمی تواند درد طبقه محروم و یا حتی متوسط جامعه را بچشد. انسان در اجتماع مانند یک عضو از بدن است . اگر یک عضو نخواهد که درد دیگران را بفهمد و برای آن راه حلی بیابد ، نتوانسته است وظیفه خود را به خوبی انجام دهد و دیر یا زود ممکن است که کل این بدن و جامعه رو به انحطاط برود و البته خود او هم یکی از اعضای آن خواهد بود که انحطاط دامن گیرش می شود.

طلا بعنوان گران ترین فلز ، یکی از ابزار زینت و خودآرایی است. طبیعی است قیمت بالای آن سبب شده که در دسترس همگان قرار نگیرد . حال اگر عده ای از افراد جامعه که توانایی مالی خوبی دارند بواسطه دارایی شان فخرفروشی کنند، ممکن است موجب آزرده شدن خاطر

1- http://tabriztala.e-senf.com

طبقات پایین تر جامعه شوند.

امروزه منافع شخصی، نوک پیکان کسب و کار قرار گرفته است لذا از هر ترفندی برای افزایش درآمد استفاده می شود تا اینکه بتواند منابع مالی بیشتری را جذب خود نماید. اگر چه ممکن است از نظر شرعی اشکالی نداشته باشد ولکن از نظر اخلاق اجتماعی، بعضی رفتارها در شأن «جامعه اسلامی» نخواهد بود. تابلوهای بزرگ تبلیغاتی و یا پیام های بازرگانی رادیو و تلویزیون که پیام اشرافی گری و تجمل گرایی را فریاد می زند ، چهره جامعه را بیش از آنکه شبیه به یک جامعه اسلامی نماید ، شبیه شهر تجاری خواهد نمود که در کنار هر کاخ کوخی بنا شده است. کاخی از اوهام که واقعیتش فقط برای عده ایست و کوخی از حقیقت در پس نگاه های دوخته شده به این تصاویر.

خوب است به تبعات این گونه تبلیغات نیز توجهی بشود ؛ حسرتی که بر دل یک خانواده بواسطه مشاهده تصاویر سرویس های طلا می نشیند فاصله طبقاتی را روز به روز بیشتر کرده و اعتماد بین طبقات را کاهش می دهد. البته این ساده ترین آسیبی است که می توان پیش بینی کرد والا اتفاقات سهمگین تری را در میان خانواده ها بدنبال خواهد داشت که خود نیازمند نوشته های بیشتری خواهد بود.

ص: 35

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند: «هرکس بیش از چهل روز احتکار کند، بوی بهشت- که از مسیر پانصد سال شنیده می شود- بر وی حرام خواهد بود.» (1)

احتکار یعنی اینکه طعام را حبس و جمع کند و انتظار بکشد که گران شود با اینکه مسلمین به آن احتیاج دارند و برای آنها ضروری است و کسی هم نیست که به مقدار کفایت مردم، برای آنها بذل نماید. بنابراین حبس کردن کالایی که برای مردم ضرورت ندارد و یا اینکه کسی هست که آن کالا را به مردم بفروشد، حرام نمی باشد گرچه مکروه است.

در تحریر الوسیله امام خمینی گفته اند که احتکار فقط در غلات چهارگانه (گندم و جو و خرما و کشمش) و روغن و زیتون وارد شده است و اجناس و کالاهای دیگر را شامل نمی شود.

البته جمع کردن هر چیزی که مردم به آن نیاز دارند، کار مطلوب و شایسته ای نیست.(2)

همانطور که گذشت نقش طلا در اقتصاد یک کشور بسیار تعیین کننده می باشد تا اندازه ای که چاپ اسکناس متوقف بر منابع و ذخائر طلای آن کشور است. نقش دیگری که طلا بطور مستقیم یا غیر مستقیم ایفا

1- بحار الأنوار (ط - بيروت) ج 100 89 باب 18 الاحتكار ص : 87
2- ترجمه تحریر الوسیله ج 2 ص 360

می کند تاثیر او بر قیمت کالاهای مورد نیاز زندگی است. بطوری که با بالا رفتن قیمت طلا بسیاری از قیمت ها نیز افزوده می شوند. در استفتاء کتبی که از دفتر حضرت آیه الله مکارم شیرازی صورت گرفت ایشان در مورد احتکار طلا فرموده اند: در صورتی که اثر بارز و روشنی در بقیه کالاها بگذارد اشکال دارد. (1)

کمینگاه ابلیس

وقتی که جایگاه دینی کسب و کار معلوم شد ودانستیم که کار عبادت است، مقام «کاسب » نیز روشن می گردد. او کسی که محبت خداوند به او تعلق گرفته است. (2) شیطان نیز که از نزدیک شدن انسان ها به خدای متعال تنفّر دارد، مدام تلاش می کند با دام هایی که بر سرراه بندگان می گستراند مانع رسیدن و نزدیک شدنشان به خدا شود.

اگر این شیطانِ دام گستر را صیاد و بندگان الهی را

1- احتکار طلا چگونه است و احکام آن چیست؟ با توجه به انیکه در حال حاضر تغییر در قیمت طلا، قیمت کالای ضروری زندگی مردم را تغییرمی دهد. ج: در صورتی که اثر بارز و روشنی در بقیه کالاها بگذارد، اشکال دارد.استفتاء از آیت الله سیستانی: مورد احتکار نیست. (استفتاء ش 4998 س 5)
2- . قال امیرالمومنین « :(علیه السّلام) ان الله عز وجل یحب المحترف الامین » وفی روایه اخری: ان الله تعالی یحب المؤمن المحترف » (کافی، ط اسلامیه، ج 5،ص 113 ، باب صناعات).

شکاربدانیم ، طبیعی است که شکار از«دامهای متعدد/م صیّاد جان سالم بدربرد،هدف «تیر»های اوقرار خواهد گرفت ؛ همان تیری که می تواند شکار وصید را از پای در آورد.

قال ابو عبدالله علیه السلام: النَّظرَةُ سَهمُ مِن سَهامِ ابلیس مَسمُومٌ»(حضرت صادق علیه السلام می فرمایند: نگاه حرام تیری از تیرهای سمّی شیطان است).(1)

این تیری است که کمین یکایک مسلمانان قرار داده شده ویکی از کمینگاه های اصلی او نیز ظلافروشی ست که بواسطه شغلشان ارتباط بیشتری با زنان نامحرم دارند .لذا بر دارندگان این شغل لازم است خودرا برای سپر گرفتن در برابر این هجوم آماده سازند:

دام سخت است مگر یارشود لطف خدا

ورنه آدم نبرد صرفه زشیطان رجیم(2)

ازطرفی نیز این مجاهدت وایستادگی بی اجر باقی نمی ماند، همانطور که امام راستگویان حضرت صادق علیه السلام درادامه حدیث قبل می فرمایند:

«مَن تَرَکَها لِلهِ عَزّو جلّ لاِلغَیرِهِ اَعقَبَهُ اللهُ ایماناً یَجِدُ طَعَمهَ»؛

1- من لایحضره الفقیه، ج 4، ص 18.
2- غزلیات حافظ

(کسی که این نگاه حرام را برای خدا و نه چیز دیگر ترک نماید، خداوند متعال به او ایمانی عنایت می کند که طعمش را بچشد).

و اگر چنین باشد که هست، هیچ کس حاضر نیست

که آن وعده لذّت بخش و نعمت عظیم (طعم ایمان) را رها کند و خود را به نگاه حرام آلوده نماید.

آنکه صراف گهر شد ننهد هرگز

سنگ را در شهوار به یک میزان(1)

هیچ، آزاده نشد بنده تن، پروین

هیچ پاکیزه نیالود دل و دامان(2)

1- ترازو
2- قصیده 31 پروین اعتصامی

ص: 40

ص: 41

ص: 42

اشاره

«قُلْ مَنْ حَرَّمَ زینَةَ اللَّهِ الَّتی أَخْرَجَ لِعِبادِهِ وَالطَّیِّباتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِیَ لِلَّذینَ آمَنُوا فِی الْحَیاهِ الدُّنْیا خالِصَهً یَوْمَ الْقِیامَهِ کَذلِکَ نُفَصِّلُ الْآیاتِ لِقَوْمٍ یَعْلَمُون»(1)

(بگو: زینت های خدا وروزی های پاکیزه ای راکه برای بندگانش پدید آورد ، چه کسی حرام کرده؟! بگو: آنان در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده اند [البته اگر چه غیر مؤمنان هم با آنان دربهره وری شریکند ، ولی] درقیامت فقط ویژه مؤمنان است ما اینگونه آیات خود را برای گروهی که می دانند [و اهل دانش وبصیرت اند] بیان می کنیم).

بهره بردن از زینتهای حلال دنیا مانند پوشیدن لباسهای مناسب و یا سفارش آن به دیگران در سیره اهلبیت علیهم السلام نمونه های بسیار دارد. همانطور که در آیه

1- اعراف 32

شریفه به آن اشاره شده است ، این زینتها که در دنیا قرار دارد و انسان از آن استفاده می کند، در اصل و حقیقتا برای مومنان در نظر گرفته شده است ، و کسانیکه به خدا و روز قیامت ایمان ندارند هدف اصلی خلقت زینتهای دنیا نیستند ، بلکه در کنار مومنان می توانند بهره مند باشند.

در زمان حاضر از واضح ترین مصادیق زینت ، طلا و جواهرات و زیورآلات است، ولکن این نعمت الهی که در اختیار انسان قرار گرفته است مانند بسیاری از نعمتهای دیگر ، دارای حد و مرز و قوانینی است که رعایتش برای مومنین لازم و ضروری است.

ساخت طلا و جواهرات

طلا و جواهراتی که از معدن استخراج شده و قرار است بعنوان زینت در اختیار بندگان خدا قرار گیرد مراحل زیادی را طی می نماید تا به این شکل درآید . مدلسازی ، ریخته گری، آبکاری، شستشو و ترکیب جواهرات با هم دیگر و مراحل دیگر بر جلوه نمایی و زیبایی این قطعات زینتی می افزاید .

قاچاق طلا

همانطور که گذشت طلا را با مشقت فراوان از معادن استخراج می نمایند و در چرخه خالص سازی و طرح و

دیگر مراحل آماده سازی قرار می گیرد تا اینکه بصورت یک قطعه زینتی یا پزشکی یا ... درمی آید.

متاسفانه در این بین عده ای بجای طی کردن مراحل قانونی ، بدنبال تهیه طلای قاچاق می باشند که البته این مسئله تا حدود زیادی رواج یافته است و بنابر اذعان برخی از طلافروشان اکثر طلاهای موجود در بازار بصورت قاچاقی خریداری شده اند. اصل مسئله قاچاق کار حرامی است ولکن اگر هم اکنون مالکیت آن طلا و جواهرات معلوم باشد یعنی مشخص باشد که صاحب این قطعه طلا کیست ، مانعی ندارد . (1)

پیرامون اشخاص استفاده کننده و محل و زمان استفاده ی از زیور آلات حد و مرزهایی یادآوری شده است. بهره مندی انسانها از برخی زیورآلات و جواهرات در بسیاری از موارد ستوده شده است وحتی در روایت امام حسن عسکری علیه السلام، در کنار نمازهای مستحبی و زیارت اربعین اباعبدالله الحسین علیه السلام از علامات مومن شمرده شده است.(2)

1- استفتاء کتبی از دفتر حضرت آیه الله مکارم شیرازی ، استفتاء ش 135902 س 8:س: به گفته برخی طلافروشان بسیاری از طلاهای موجود در بازار، به صورت قاجاق وارد بازار می شود. خرید و فروش این گونه زیور آلات چه حکمی دارد؟ ج: در صورتی که وضع آن مجهول نباشد، مانعی ندارد؛ هرچند کسانی که قاچاق کرده اند، مرتکب کار حرامی شده اند.
2- الوافی ج 4 ص 177: روی عن أبی محمد الحسن بن علی العسکری (علیه السّلام) أنه قال علامات المؤمن خمس صلاه الخمسین و زیاره الأربعین و التختم بالیمین و تعفیر الجبین و الجهر ببسم اللّه الرحمن الرحیم. نشانه های مومن پنج تاست ؛ پنجاه رکعت نماز روزانه، زیارت اباعبدالله الحسین علیه السلام در روز اربعین ، انگشتر در دست راست نمودن ، پینه بستن پیشانی(بواسطه سجده های طولانی) و بلند گفتن بسم الله الرحمن الرحیم در نمازها.

امام صادق علیه السلام دستی که در آن انگشتر عقیق باشد را محبوبترین دستی می داند که بسوی خدا بلند می شود (1).

ایشان در روایت دیگری می فرمایند:« قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: إِنِّی لَأَسْتَحْیِی مِنْ عَبْدِی یَرْفَعُ یَدَهُ وَ فِیهَا خَاتَمُ فَیْرُوزَجٍ أَنْ أَرُدَّهَا خَائِبَةً». : (خداوند متعال فرمود: من شرم دارم که بنده ام را ناامید کنم با وجود اینکه دستش را (به دعا) بلند کرده در حالیکه انگشتر فیروزه به انگشتان اوست.)(2)

طلای مردانه

اگرچه احکام استفاده از جواهرات و سنگهای قیمتی برای زن و مرد یکسان می باشد ولی تفاوتی که وجود دارد ، حرمت استفاده مردان از طلا است. البته در مواردی برای زنان نیز استفاده از طلا بخاطر زینت حرام دانسته شده است و آن حالت احرام است . (3)

1- هدایه الامه الی احکام الائمه ج 3 ص127 : قَالَ الصَّادِقُ عَلَیْهِ السَّلَامُ: مَا رُفِعَتْ کَفٌّ إِلَی اللَّهِ أَحَبُّ إِلَیْهِ مِنْ کَفٍّ فِیهَا خَاتَمُ عَقِیقٍ.
2- هدایه الامه الی احکام الائمه ج 3 ص 127
3- تحریر الوسیله ، ج 2 ص 215 سیزدهمین و چهاردهمین تروک احرام

پیرامون ساخت طلا نیز همین حکم وجود دارد زیرا فرموده اند: «ساخت جواهرات طلا اگر به منظور استفادۀ مردان باشد، حرام است و خرید و فروش آن به این قصد جایز نیست.»(1)

در خرید و فروش طلای مردانه می توان به این مسئله توجه داشت که هر قطعه زینتی طلا از دو بخش تشکیل شده است؛

1- طلایی که در آن بکار رفته است (بدون توجه به شکل ظاهری).

2- شکل ظاهری آن که محل استفاده آن را معین می نماید.

در معامله طلای مردانه آنچه حرام دانسته شده است ، خرید و فروش، برای « استفاده مردان» است یعنی اینکه طلایی خریداری شود تا یک مرد از آن برای زینت استفاده نماید . اما اگر معامله ای که بر روی طلای مردانه صورت می گیرد بخاطر استفاده زینتی آن نباشد بلکه فقط جنبه مادی آن مدنظر باشد و پولی که پرداخت می شود فقط بخاطر ارزش ماده طلا باشد نه جنبه زینتی آن ، حرمتی را در پی نخواهد داشت. (2)

1- استفتائات آیه الله خامنه ای 447 ، جامع المسائل ایه الله فاضل لنکرانی ج 1ص 241 سوال 907
2- استفتاء کتبی از دفتر آیه الله مکارم شیرازی، استفتاء ش 135902 س 9:س: ساختن طلای مردانه چه حکمی دارد؟اجرتی که بابت ساخت آن اخذ می شود ، چه حکمی دارد؟ج: جایزنیست ؛ فقط می توان پول رادر مقابل ماده طلا گرفت و نباید از طلای مردانه استفاده شود.

متاسفانه امروزه در بسیاری از ویترین های طلافروشی ، طلاهای مخصوص مردان به چشم می خورد . اگر به این نکته توجه داشته باشیم که پولی که از راه حرام وارد زندگی می شود چه انحرافاتی را ایجاد می نماید ، قطعا در این مسئله تجدید نظر خواهیم کرد. خرید و فروش با فروشنده طلای مردانه نیز از نظر اخلاقی تبعات خاص خودش را بدنبال دارد. از نظر شرعی نیز باید دقت کرد که اگر مقدار مال حرامی که از این راه به دست فروشنده طلای مردانه رسیده است فراوان باشد بطوریکه بصورت وسیع با اموال حلال او مخلوط شده باشد ، خرید و فروش با این فروشنده جایز نمی باشد. (1)

بعد از ساخت نوبت به عرضه این کالای قیمتی می رسد که شرایطی برای خرید و فروش طلا و جواهرات ذکر شده است. برخی از این شرایط در تمام خرید وفروش ها جاری است و برخی از آنها نیز مختص به نوع خاصی از خرید و فروش های طلا می باشد.

1- استفتاء کتبی از دفتر آیه الله مکارم شیرازی، استفتاء ش 135902س 10: س: خرید و فروش با فروشنده طلای مردانه چه حکمی دارد؟ج: درصورتی که بدانید اموال او مخلوط با حرام وسیعی است ، جایز نیست.

خرید و فروش طلا و نقره (بیع صرف)

اشاره

به فروش طلا در مقابل طلا یا نقره در مقابل نقره بیع صرف گفته می شود و تفاوتی هم بین سکه و غیر سکه در آن نیست .(1)

ممکن است کلمه «صرف» شغل «صرافی» را به ذهن بیاورد در صورتیکه امروزه این دو اصطلاح با یکدیگر متفاوت هستند . صرافی های امروزه پول های متفاوت بین کشورها را تبدیل می نمایند ، و بیع صرف که همان شغل طلافروشی است ارتباطی با تبدیل کردن پول ندارد . علت این تشابه نیز روشن است ؛ در قدیم پول رایج بین مردم همان طلا و نقره ای بوده که در دستشان بصورت سکه وجود داشته است و هنگامی که قصد تبدیل آن را داشته اند به کسانیکه شغل «صرافی» داشته اند مراجعه می کردند . با این کار هم طلا و نقره تبدیل می شد هم پول رایج آن زمان. با گذشت زمان طلا و نقره یا همان دینار و درهم جای خود را به پولهای کاغذی یا جنسهای دیگر دادند. به این ترتیب شغل صرافی یا همان تبدیل واحدهای پول به یکدیگر از شغل طلا فروشی که بیع «صرف» می باشد جدا شده است.

اشتراک هر دو شغل در مسئله ربا سبب شده است که

1- ترجمه تحریر الوسیله ج 2 ص 429

مراجع تقلید بحث پولهای کاغذی را نیز در کنار مباحث طلا و جواهرات یا در مباحث ربا ذکر نمایند که به اختصار اشاره ای می شود:

نکته: ارز و پولهای کاغذی

اشاره

اگر معامله بر پولهای کاغذی که در زمان ما متعارف است از یک طرف یا دو طرف واقع شود (یعنی خرید و فروش خود پول بدون در نظر گرفتن ارزش اعتباری آن، چه یک نفر پولهای شخص دیگری را خریداری نماید یا دو نفر در مقابل پول یکدیگر پول بدهند) ظاهر آن است که احکام معامله صرف بر آنها جاری نمی شود، و لیکن اضافی گرفتن اگر به قصد فرار از ربا باشد، جایز نیست. پس کسی که می خواهد با سود قرض بدهد و برای فرار از ربا پولهای کاغذی را با اضافه گرفتن بفروشد کار حرامی کرده است و بیع هم باطل است.(یعنی بجای اینکه شرط کند که در مقابل صد هزار تومن ، یک ماه دیگر صد و ده هزار تومن به من برگردان ، می گوید: من کاغذ این صد هزار تومن را به صد و ده هزار تومان به تو می فروشم تا یک ماه دیگر مبلغ آن را بیاوری، که در اینصورت معامله ی حرام و باطلی انجام داده است .)(1)

ولکن موضوع اصلی نگارش این کتاب معامله

1- تحریر الوسیله - ترجمه؛ ج 2، ص: 429

«صرف» یا همان خرید و فروش طلا و نقره است؛ این چنین معامله ای شرائطی دارد که بیان می شود:

شرائط معامله طلا و نقره

شرط اول

در معامله ای که طلا در مقابل طلا یا نقره در مقابل نقره خرید و فروش می شود باید طلا و نقره و عوض در مجلس تحویل داده شوند یعنی باید فروشنده و خریدار پیش از آن که از یکدیگر جدا شوند، جنس و عوض آن را به یکدیگر تحویل دهند و اگر هیچ مقدار از چیزی را که قرار گذاشته اند تحویل ندهند، معامله باطل است(1). اما اگر طلا یا نقره بطور کامل تحویل داده نشود (یعنی بعض آن تحویل داده شود.) ؛ در این صورت معامله در بخشی از آن که تحویل داده شده است صحیح است و در باقیمانده باطل می باشد. (2)

نکته مهم: بنابر مسئله ای که ذکر شد ، خرید و وفروش

1- توضیح المسائل امام، م2010. آیه الله بهجت 1654: اگر مقداری تحویل داده شد، معامله نسبت به آن مقدار صحیح و ثابت است. آیه الله مکارم1810 و آیه الله سیستانی2080 وآیه الله فاضل1558: اگر فقط مقداری از آن را تحویل دهند معامله فقط به همان مقدار صحیح است و طرف مقابل می تواند معامله را فسخ کند
2- ترجمه تحریر الوسیله ج2 ص429

طلا به طلا یا نقره به نقره بصورت نسیه(1) و سلف(2)

جایز نیست .(3)

اما نسیه ی طلا در مقابل پول اشکال ندارد . (4)

شرط دوم

اگر طلا در مقابل طلا و یا نقره در برابر نقره خرید و فروش شود باید در وزن مساوی باشند و فروش طلا به طلای بیشتر یا کمتر یا فروش نقره به نقره بیشتر یا کمتر جایز نیست و معامله حرام و باطل است.(5) این حکم فقط در موردی نیست که هر دو طلا یا هر دو نقره مرغوب باشند ، بلکه اگر یکی مرغوب و دیگری کهنه و شکسته باشد نیز این حکم جاری است و باید وزن هر دو مساوی باشد(6).

اما اگر طلا را به نقره یا نقره را به

طلا بفروشند اگر وزن یکی از آنها بیشتر باشد معامله صحیح می باشد.(7)

1- جنس را بگیرد ولی بعدا عوضش را بیاورد.
2- (پیش فروش) عوض را بدهد تا بعدا جنس را تحویل بگیرد.
3- استفتائات مقام معظم رهبری سوال 1600
4- استفتاء 115 حضرت امام خمینی
5- توضیح المسائل امام، م 2008
6- استفتائات آیه الله بهجت 4307
7- توضیح المسائل امام، م 2009

نمودار خلاصه مطالب:

فروش طلا ....طلا ...باید در همان مجلس واگذار نمود

نسیه و سلف صحیح نیست

وزن باید مساوی باشد

غیرطلا(پول ،نقره و...)

نسیه و سلف صحیح است

تساوی وزن شرط نیست

توجه: نمودار بالا در مورد معامله نقره با نقره و نقره با غیر نقره نیز می آید.

فاکتور

سند مالکیتِ یک قطعه طلا یا جواهر زینتی ، فاکتوری است که در اختیار خریدار قرار می گیرد ولکن عموم مردم نسبت به محاسباتی که برای به دست آوردن قیمت نهایی طلا در فاکتور ثبت شده است اطلاع کافی ندارند . البته این بی اطلاعی نقصی در صحت معامله وارد نمی کند بلکه «اگر مطمئن به صحت آن باشد، مانعی ندارد»(1)

1- استفتاء کتبی از دفتر آیه الله مکارم شیرازی،،استفتاء ش 135902 ، م 10 .س: آیا جهل مشتری به محاسبات درفاکتور فروش طلا ، به معامله آسیب می زند؟ ج: آیا مطمئن به صحت آن باشد ، مانعی ندارد.آیه الله سیستانی : مهم این است که عوض و معوض معلوم باشد.استفتاء ش 4998، س1

فروش طلای بدون فاکتور اشکال ندارد ولی اگر در عرف ، معامله بدون فاکتور ، معامله شیء مجهول محسوب شود ، معامله اشکال دارد»(1)

جدا کردن نگین زیورآلات

طلافروشان هنگام فروش زیور آلاتِ طلا که نگینی غیر از طلا (پلاستیک ، شیشه و ...) دارند ، نگین را نیز وزن می کنند و جزء قیمت به حساب می آورند لکن هنگام خرید ابتدا آن نگین ها را جداکرده و سپس وزن می کنند و نگینها را جزء قیمت به حساب نمی آورند. از آنجا که این کار با رضایت مشتری انجام می شود حرمت شرعی ندارد ولی از انصاف به دور است و می تواند مصداق گرانفروشی باشد(2)

بنظر می رسد که سود جویی ، موجب

1- استفتاء کتبی از دفتر آیه الله مکارم شیرازی،استفتاء ش 135902، س 7س: فروش طلای بدون فاکتور باتوجه به اینکه ازنظر قانون باید بافاکتور باشد، چه حکمی دارد؟ ج: درصورتی که عرف بدون فاکتور مجهول محسوب شود، معامله اشکال دارد.
2- استفتاء شفاهی از دفتر آیه الله وحید خراسانی و استفتاء کتبی از دفتر آیه الله مکارم شیرازی ، و استفتاء کتبی از دفتر آیه الله صافی گلپایگانی(با اطلاع طرفین از مقدار آن و یا با مصالحه اشکالی ندارد.)استفتاء از آیه الله مکارم شیرازی، استفتاء ش 135902 ، م 4:س: طلافروشان هنگام فروش زیورآلاتی که نگینی غیر از طلا دارند، نگین را هم وزن می کنند و جزء قیمت طلا به حساب می آورند لکن هنگام هنگام خریدابتدا آن نگین ها را جدا کرده و س پس وزن می کنند و نگینها را جزء قیمت به حساب نمی آورند.الف(محاسبه نگینهای غیر طلا هنگام فروش زیورآلات چه حکمی دارد؟ب(جدا کردن نگین ها برای خرید چه حکمی دارد؟ج: در صورت توافق طرفین مانعی ندارد ولی سزاوار است انصاف را رعایت کنند.استفتاء آیه الله صافی: دقیقاً همان سوال بالا و جواب مذکور در پاورقی. استفتاء ش 172 ، تاریخ 9/ 2/ 93 س 5.

این عمل برخی طلافروشان می شود ولکن در روایتی از امیرالمومنین علیه السلام اینگونه آمده است که : چه بسا [بهره] اندک که سودمند است و چه بسا [بهره] بسیار که زیانبار است.(1)

پرسش و پاسخ (تبدیل شمش به زیورآلات)

زرگرها در مقابل ساخت و تبدیل شمش به زیورآلات، مزدی معیّن می پردازند، سپس همان طلای ساخته شده را در مقابل وزن مساوی از طلای شمش، با اضافه ی اجرت ساخت بیشتر به دیگری می فروشند، آیا چنین معامله ای صحیح است؟.

ج. اگر ثمن (آن چیزی که در مقابل خرید کالا پرداخت می شود) معامله پول باشد، یا اجرت ساخت را جداگانه

1- خطبه 114 نهج البلاغه

بدون ارتباط به عوضین معامله بگیرد، اشکال ندارد.(1)

تعمیر طلا

همانطور که خرید و فروش طلا و جواهرات یکی از راه های کسب بشمار می آید ، تعمیر آنها نیز از مشاغل جامعه ما می باشد. اتفاقات جالبی در تعمیر جواهرات و سنگهای قیمتی رخ داده است که برخی از آنها بصورت داستان به ما رسیده است؛

ماجرای یونس نقاش

امام هادی علیه السلام در سامرا همسایه ای داشت بنام یونس نقاش . او اگر چه کارش نقش کردن و حکاکی بر روی سنگهای قیمتی بود ولی بسیاری از اوقات برای خدمت به امام علیه السلام به محضر ایشان مشرف می شد. یک روز با حال پریشان وارد خانه حضرت شد و عرض کرد: ای سرور من! وصیّت می کنم که با اهل بیت من خوب رفتار کنید! حضرت فرمود: مگر چه خبر است؟ و تبسّم می کرد. عرض کرد که: «موسی بن بغا(2)

یک نگین گرانبها به من داد تا آن را نقش کنم ، ولی هنگام کار، این نگین با ارزش دو تکه شد. فردا هم باید آن را تحویل دهم . اگر ابن بغا این نگین

1- استفتائات آیه الله بهجت 4071
2- موسی بن بغا کان من الأتراک من أمراء المهدی و المعتمد بحار ج 82ص 249 باب 33 قنوتات طویله

شکسته را ببیند یا هزار شلاق به من می زند و یا اینکه مرا خواهد کشت .» حضرت فرمود : «به خانه ات برگرد ، تا فردا خبر خوبی می شنوی !»

صبح فردا یونس نزد امام حاضر شد و عرض کرد که « از طرف ابن بغا برای پس گرفتن نگین آمده اند» حضرت فرمود: «نگران نباش. خبر خوبی خواهی شنید !» یونس گفت : «در جواب درخواست آنها چه بگویم؟» حضرت فرمودند: «برو به حرفهایشان گوش بده ، چیزی غیر از خوبی نخواهی شنید. »

یونس نقّاش رفت و بعد از زمانی خندان برگشت و عرض کرد: «ای آقای من ! وقتی نزد موسی بن بغا رسیدم به من گفت : «همسران من بخاطر آن نگین با هم اختلاف کرده اند، اگر ممکن است آن نگین را دو تکه کن تا اختلافشان برطرف شود.» حضرت با شنیدن این سخن خدا را حمد کرد و فرمود: «تو در جواب او چه گفتی؟» عرض کرد: «گفتم به من مهلت بده تا در این مورد فکر کنم.» حضرت فرمود: «خوب جواب گفتی».(1)

خرده های طلا

هنگام تعمیر زیورآلات طلا در اثر ساییدن یا ضربه

1- منتهی الآمال، شیخ عباس قمی ،ج 3،ص:1848

زدن قدری از طلا بصورت خرده طلا در می آید . از آنجایی که همان خرده ها هم دارای ارزش مالی می باشند لازم است بدانیم که مالک آن خرده های طلا، مشتری است و تعمیرکار نمی تواند آن ها را برای خودش بردارد. البته اگر مشتری اجازه دهد که در این صورت جزء درآمدهای تعمیرکار محسوب می شود و خمس دارد.(1)

ربا

اشاره

علت حرام بودن فروش طلا به طلا یا نقره به نقره بهمراه اضافه را «مسئله ربا » دانسته اند . مباحث تفصیلی ربا در کتاب های دیگر بطور دقیق مورد بررسی قرار گرفته است ولکن لازم است که در این جا نیز گزیده ای از این موضوع مهم بیان شود:

« يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبا وَ يُرْبِى الصَّدَقاتِ وَ اللَّهُ لا يُحِبُّ كُلَّ

1- استفتاء کتبی از دفتر آیه الله مکارم شیرازی، استفتاء ش 135902، س 5.س: هنگام تعمیر زیورآلات طلا، دراثر ساییدن وضربه قدری از طلا به صورت خرده طلا در می آید ، وظیفه تعمیر کار دراین گونه موارد چیست ؟ یعنی آیا وظیفه دارد به مشتری اطلاع دهد؟ آیا این خرده های طلا شامل خمس می شود ؟ اگرمشتری اطلاع خرده های طلای تعمیر شده رادرخواست نکرد ، چه حکمی دارد؟ج: خرده طلا متعلق به مشتری است ؛ مگر اینکه اجازه دهد ودراین صورت جزء درآمدهای فروشنده می شود وخمس دارد.آیه الله سیستانی : اگر مطمئن به رضایت باشد؛ اشکال ندارد، استفتاء ش 4998، س 2.

كَفَّارٍ أَثيمٍ» (1)(خدا «ربا» را نابود می کند، و صدقات را فزونی می دهد و خدا هیچ ناسپاس بزه کاری را دوست ندارد).

در تحریرالوسیله حضرت امام خمینی رحمه الله علیه ربا را بر دو قسم «ربای قرضی» و «ربای معاملی» ذکر کرده اند که تعریف هر کدام بصورت جداگانه می آید:

ربای قرضی

مالی را به عنوان قرض به کسی پرداخت کند به شرط اینکه وام گیرنده بیشتر از مقداری را که گرفته است بازگرداند. فرقی نمی کند که پول بیشتری بگیرد یا اینکه شرط کند که کاری برای او انجام دهد مثلا در مقابل ده هزار تومان ، ده هزار تومان برگرداند و یک پیراهن نیز برای او بدوزد، در این صورت نیز این معامله حرام و باطل است و همچنین اگر شرط نشده باشد ولی بنابر پرداختن اضافه باشد ربا و حرام است.

البته اگر در ابتدا زیاده را شرط نکنند و بنا بر پرداختن اضافه نباشد، اما هنگام پرداخت ، آنکسی که قرض گرفته است ، بیشتر از آنچه گرفته است برگرداند نه تنها حرام نیست بلکه مستحب نیز می باشد. (2)

1- بقره 276
2- توضیح المسائل مراجع 2283

ربای معاملی

اشاره

در رساله حضرت امام خمینی رحمه الله علیه ربا را اینگونه تعریف نموده اند: «اگر مقداری از جنسی را که با وزن یا پیمانه می فروشند به زیادتر از همان جنس بفروشد، مثلا یک مَن گندم را به یک مَن و نیم گندم بفروشد، ربا و حرام است.»(1)

«اگر چیزی را که اضافه می گیرند غیر از جنسی باشد که می فروشد، مثلا یک من گندم را به یک من گندم و ده تومان پول بفروشد باز هم ربا و حرام است، بلکه اگرچیزی زیادتر نگیرد ولی شرط کند که خریدار عملی برای او انجام دهد، ربا و حرام می باشد.»(2)

بطور کلی اگر شرط کنند که بیش از مقدار فروخته شده یا قرض داده شده برگردانده شود ، و بعبارت دیگر سود پرداخت شود، معامله حرام و باطل است و فرقی نمی کند که هر دو طرف راضی باشند یا نباشند (3)

«حتی اگر یکی از دو جنس سالم و دیگری معیوب، چنانچه بیشتر از مقداری که می دهد، بگیرد باز هم ربا و حرام است »(4). در محل بحث نیز همین قاعده جاری است یعنی اگر « طلای ساخته را بدهد و بیشتر از آن طلای

1- توضیح المسائل امام ،م 2072
2- توضیح المسائل امام ،م 2073
3- توضیح المسائل مراجع 2283
4- همان

نساخته بگیرد ربا و حرام می باشد»(1).

با توجه به این حکم حضرت امام که « اگر جنس یکی خوب و جنس دیگری بد باشد یا با یکدیگر تفاوت قیمت داشته باشند، چنانچه بیشتر از مقداری که می دهد، بگیرد باز هم ربا و حرام است» (2) می توان گفت : تفاوت عیار در طلا مانع ربا بودن در تفاوت وزن نمی شود . یعنی اگر ده مثقال طلای 24 عیار در مقابل دوازده مثقال طلای 18 عیار قرار گیرد باز ربا و حرام خواهد بود. اگر چه می توان برای فرار از ربا، دو معامله جداگانه انجام دهند.(3) یعنی در یک معامله طلای 24 عیار خریداری شود و در مقابلش چیزی غیر از طلا پرداخت شود . با اتمام معامله اول می تواند در معامله دیگری طلای 18 عیار را بفروشد و در مقابلش چیزی غیر از طلا دریافت نماید.

نکته قابل توجه این است که وزن یا پیمانه برای ربا شرط شده اند پس معلوم می شود که در اشیائی که خرید و فروش آنها بصورت عددی یا متری است ، اضافه گرفتن موجب ربا نمی شود همانطور که گفته شده است: «چیزی

1- همان
2- توضیح المسائل امام ،م 1964
3- استفتاء کتبی از دفتر آیه الله مکارم شیرازی استفتاء ش 135902، س 6.س: راه فرار از ربای تعویض طلا با دو عیار مختلف چیست؟ج: دو معامله جداگانه انجام میدهند.

را که مثل پارچه به صورت متری می فروشند، یا چیزی را که به صورت عددی معامله می کنند، اگر مقداری را بفروشد، ولی زیادتر از آن را بگیرد (مثلاً یک تخته فرش بزرگ را با دو تخته فرش کوچکتر معامله کند) اشکال ندارد.»(1)

پرسش و پاسخ(وظیفه رباخوار)

1- چنانچه ربا خوار، مالی را از راه ربا برده باشد، چگونه باید با او رفتار گردد؟

2- در صورتی که مال به ربا رفته، صاحب داشته باشد آیا باید مال به صاحب اصلی برگردد یا خیر؟ و در غیر این صورت چه باید کرد؟

ج- ربا حرام است ربا خوار باید از گناه گذشته توبه نماید و آنچه را که بابت ربا گرفته ضامن است باید به مالک آن برگرداند و اگر نزاعی در بین باشد رسیدگی به آن موکول به محاکم قضائی است.(2)

معنای بطلان معامله

همانطور که در انتهای مسئله ربای قرضی آمده است معاملاتی که در آنها ربا باشد از نظر شرعی، حرام و باطل هستند . لازم است که روشن شود منظور از حرمت و بطلان

1- توضیح المسائل امام ،مسأله 1967
2- استفتائات امام ج2 ص141

چیست؟

یعنی اینکه آن آثاری که در معامله صحیح وجود دارد در معامله باطل نیست(1)

؛ به این معنا که در معامله صحیح انسان مالک آن کالایی می شود که خریداری کرده است ولکن در معامله باطل این اتفاق نمی افتد ، بعبارت دیگر آنچه را بابت ربا گرفته است ضامن است که به صاحبش برگرداند (2)

و تا زمانیکه آن را برنگردانده است نمی تواند در آن مال تصرف کند (3) و هر گونه تصرف او حرام می باشد. البته اگر از یافتن صاحب مال مأیوس و ناامید شده است می تواند از طرف او آن مال را به فقرا صدقه دهد. (4)

قرض دادن طلا

«مَنْ ذَا الَّذی یُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً فَیُضاعِفَهُ لَهُ وَ لَهُ أَجْرٌ کَریم»(5)

(کیست که به خدا وامی نیکو دهد تا خدا آن را برای او دو چندان کند و او را پاداشی نیکو و باارزش باشد؟)

از داد وستدهای رایج بین مردم ، مسئله قرض می باشد

1- فرهنگ فقه مطابق مذهب اهلبیت علیهم السلام ج2 ص 113 کلمه بطلان
2- استفتائات حضرت امام .161
3- استفتائات حضرت امام 162
4- استفتائات حضرت امام. 164
5- حدید-11

که اسلام آن را برای ریشه کن کردن ربا قرار داده است. بر خلاف کسانی که سود حاصل از ربا را رشد مالی و یک خرید و فروش ساده می پندارند(1)، خداوند متعال آن را خسران و ضرر برشمرده و از نمونه های شیطان زدگی دانسته است.(2)

نگاه اجتماعی اسلام به یاری و کمک کردن برادران دینی سبب می شود تا ربا در جامعه مسلمانان از بین رفته و قرض الحسنه جای آن را بگیرد. اینکه چرا در آیات قرآن از قرض دادن به قرض حسن (نیکو) تعبیر شده و آن را «قرض دادن به خدا»

(یقرض الله قرضا حسنا) خوانده اند، خود گویای نکات مهم و ظریفی است که از بحث خارج است، ولکن با نگاه به روایاتی که عظمت مومن و آبروی او را مطرح می کند می توان به گوشه هایی از اهمیت مسئله قرض الحسنه پی برد.

مدارا با بدهکاران

اشاره

گذر از پل صراط با سرعت برقی که چشمها را خیره میکند ، پاداش عمل کسی قرار داده شده است که با

1- ذلِکَ بِأَنَّهُمْ قالُوا إِنَّمَا الْبَیْعُ مِثْلُ الرِّبا . این بدان سبب است که آنها گفتند: بی تردید داد و ستد نیز مانند رباست(بقره 275)
2- الَّذینَ یَأْکُلُونَ الرِّبا لا یَقُومُونَ إِلاَّ کَما یَقُومُ الَّذی یَتَخَبَّطُهُ الشَّیْطانُ مِنَ الْمَس کسانی که ربا می خورند، (در میان مردم) قیام و رفتاری ندارند مگر مانند رفتار کسی که شیطان او را به برخورد خود دیوانه کرد (بقره 275)

قرض گیرنده مدارا نموده است.(1)

حتی در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که من قرض دادن مالی را بیشتر از صدقه دادن آن مال دوست دارم.(2)

اگر قرض گیرنده در پرداخت قرض خود تاخیر کند و قرض دهنده او را ملامت نکند، به تعداد روزهای به تاخیر افتاده، ثواب صدقه برای او نوشته می شود.(3)

قرض دادن طلا عملی است که بیشتر در بین بازاریان و گاهی موارد در بین بانوان به چشم می خورد که نمی توان گفت از فضیلت های قرض بی بهره است . ولکن اطلاع از احکام قرض بر کسی که می خواهد این کار را انجام دهد لازم است . وقتی کسی مالی را قرض می دهد، می خواهد که اصل مال به او بازگردانده شود نه اینکه اصل مال از بین برود. بنابراین در طلا اگر همان قطعه بازگردانده شود که معمولا بین مصرف کنندگان به اینگونه است ، مانعی ندارد ولکن اگر همان قطعه طلا برگشت داده نشود دیگر قرض بر آن اطلاق نمی گردد.(4)

1- وسائل الشیعه، ج 18، ص: 331
2- سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع یَقُولُ لَأَنْ أُقْرِضَ قَرْضاً أَحَبُّ إِلَیَّ مِنْ أَنْ أَتَصَدَّقَ بِمِثْلِهِوسائل الشیعه، ج 18، ص: 330
3- مَنْ أَقْرَضَ قَرْضاً وَ ضَرَبَ لَهُ أَجَلًا- فَلَمْ یُؤْتَ بِهِ عِنْدَ ذَلِکَ الْأَجَلِ- کَانَ لَهُ مِنَ الثَّوَابِ فِی کُلِّ یَوْمٍ یَتَأَخَّرُ عَنْ ذَلِکَ الْأَجَلِ- بِمِثْلِ صَدَقَهِ دِینَارٍ وَاحِدٍ فِی کُلِّ یَوْمٍ. وسائل الشیعه، ج 18، ص: 330
4- استفتاء کتبی از دفتر آیه الله مکارم شیرازی استفتاء ش 135902، سؤال 19.س: طلا (نه اجاره وودیعه وعاریه) چه حکمی دارد؟باتوجه به انی که عین مال موجود نیست.ج: قرض وعاریه درجایی است که عین مال موجود باشد.

پرسش و پاسخ (نوسان قیمت طلا)

اگر قیمت طلا ، نقره یا پولی که قرض داده شده است طی این چند روز بیشتر یا کمتر شود ، وظیفه چیست؟

مراجع عظام تقلید در پاسخ می فرمایند: اگر همان مقداری را که قرض گرفته است پس بدهد کافیست و لازم نیست که ما به التفاوت پرداخت نماید(ضامن اختلاف قیمت طلا نمی باشد). البته اگر طرف گیرنده راضی بود که یک چیز اضافه ای هم بپردازد ، اشکالی ندارد(1).

در اینجا باید توجه داشت که این عمل با ربا فرق دارد زیرا از ابتدا شرط نکرده اند که قرض گیرنده چیزی اضافه پرداخت کند.

عاریه طلا

اشاره

در این بخش از مطلب بنظر می رسد لازم است ابتدا تفاوت عاریه با قرض و ودیعه(امانت) توضیح داده شود و سپس وارد اصل مطلب شویم:

1- امام خمینی مسئله 2165. آیه الله العظمی مکارم باید همان مقدار را که گرفته پس بدهد، خواه قیمت آن کم شده باشد یا زیاد1946

تفاوت عاریه با قرض

عاریه، عقدی است که به موجب آن، عاریه دهنده مال خود را در اختیار دیگری قرار می دهد، تا از آن استفاده مجانی کند. در عاریه، برخلاف قرض، اصل مال از ملکیت صاحب آن خارج نمی شود و عاریه گیرنده تنها اجازه استفاده حلال از مال را دارد؛ البته استفاده ای که موجب از بین رفتن اصل مال نگردد. به همین جهت، عاریه تنها در جایی صحیح است که با استعمال، اصل شی ء از بین نرود، مانند عاریه ظروف، فرش و وسایل نقلیه؛ اما در چیزهایی که با مصرف از بین می روند، مثل نان، میوه و غذا ، عاریه صحیح نیست.

در قرض، به محض تحویل گرفتن مال ، قرض گیرنده مالک شی ء می شود و می تواند هر نوع تصرفی را در آن انجام دهد. پس می توان اشیایی را قرض داد که با مصرف از بین می روند. در قرض، فرد با گرفتن قرض، ضامن مثل یا قیمت می گردد، چه از آن شی ء استفاده کند یا نکند و چه اصل شی ء باقی بماند یا از بین برود.

در عاریه گرفتن کالاهای معمولی اگر مال در دست عاریه گیرنده تلف شود، در صورتی که تعدی و تفریط نکرده باشد ضامن نیست؛ مگر این که در متن عقد، شرط ضمان شود، ولی در عاریه طلا و نقره ضامن است مگر اینکه شرط عدم ضمان شود.

تفاوت عاریه با ودیعه(امانت)

همانطور که گذشت استفاده از منافع شیء در عاریه اشکال ندارد ولی در ودیعه این امکان وجود ندارد؛ یعنی در عاریه اجازه داده می شود که از کالا استفاده و بهره برداری شود اما در ودیعه این اجازه داده نمی شود بلکه کسی که مالی را به ودیعه نزد دیگری قرار می دهد ، به جهت این است که او را مورد اعتماد دانسته لذا مال را فقط برای نگهداری در اختیار او قرار می دهد و بنای بر پرداخت اضافه هم نبوده است.

عاریه طلا و نقره

عاریه دادن طلا و نقره برای استفاده حرام جایز نیست. مثلا کسی گردنبندی را به زنی عاریه دهد تا خود را در جشن مختلط با نامحرم زینت کند ؛ در این صورت کار حرامی مرتکب شده است.

در مورد ضمانت نگهداری این عاریه گفته شده است که : اگر در نگهداری عاریه کوتاهی نکند و در استفاده از آن زیاده روی نکند و بطور اتفاقی از بین رود، باید عوض آن را بدهد مگر آنکه از همان ابتدا شرط کرده باشند که اگر تلف شد ، کسیکه عاریه گرفته است ضامن نباشد. اما اگر اصلا شرط نکرده باشند که در صورت تلف ، ضامن هست یا خیر؛ در این صورت حتی اگر در نگهداری کوتاهی هم

نکرده باشند ، باز ضامن است و باید عوض آن را بدهد.

نکته: آیه الله فاضل لنکرانی می فرمایند: عاریه دادن چیزی برای استفادهٔ حرام از آن جایز نیست بنابراین عاریه دادن انگشتر طلای مردانه به مرد جایز نیست. بلی اگر همین انگشتر را برای کاری غیر از زینت کردن مرد بگیرد مانعی ندارد.(1)

اجاره طلا

یکی از معاملاتی که بر طلا صورت می گیرد «اجاره» است. اجاره یعنی اینکه منافعی که یک کالا دارد در مقابل یک عوض واگذار شود(2)

مانند همین خانه های اجاره ای که در بین مردم رایج می باشد. به اینصورت که مالکِ خانه، منافع و بهره برداری از این خانه را برای مدت معلومی در مقابل مبلغ معلومی به دیگری واگذار می نماید. نکته ی قابل توجه این است که اصل کالا در اجاره باقی است . مثلا کسی که خانه ای را اجاره گرفته است نمی تواند خانه ی دیگری را به صاحبخانه بازگرداند بلکه باید همان خانه ای را که اجاره نموده است بازگرداند.

این معامله بر روی طلا نیز اتفاق می افتد . یعنی طلایی را به دیگری واگذار می کنند که در مدت معلومی از منافع

1- توضیح المسائل، مسأله 1834
2- فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام ج 1 ص235

آن بهره مند شود و در برابر این بهره مندی ، علاوه بر اصل مال، مبلغی را به عنوان اجاره، به مالک اصلی پرداخت نماید.

مثلا خانمی برای رفتن به مجلس شادی به زیور طلا نیاز دارد و از طلا فروش، برای مدت معینی – مثلا برای یک شبانه روز- اجاره می کند و عین آن را همراه با اجاره آن به طلا فروش برمی گرداند.

مثال های دیگری نیز می توان ذکر نمود: طلافروشی مقداری طلا به مدت یک سال اجاره می کند تا در ویترین مغازه قرار دهد و با این کار جلب مشتری نماید. در این مثال اصل مال که طلا هست باقی است و تفاوتی نکرده است، در این صورت اجاره طلا جایز است و اشکالی ندارد . مثالهای ذکر شده وجود اجاره طلا در بین طلافروشان را بیان نمود. برای اجاره طلا در بین مشتریان و مصرف کنندگان نیز می توان از این مثال استفاده کرد که عده ای از بانوان برای شرکت در مراسم جشن از دوستان و همسایگان خود قطعات زینتی طلا را اجاره می کنند تا در روز مشخصی آن را بازگردانند و البته در قبال این کار مبلغی را نیز پرداخت نمایند. به این کار نیز اجاره طلا گفته می شود و اشکالی هم ندارد زیرا همانطور که گفته شد اصل مال که طلا است باقی است.

استفتائی در این زمینه از آیه الله بهجت شده است که از نظرتان می گذرد:

طلاساز، یک کیلو طلا را یک ساله اجاره می کند که با آن معاملاتی انجام دهد و آخر سال یک کیلو را با اجرت آن پس بدهد، آیا چنین اجاره ای صحیح است؟ راه شرعی را در صورت عدم صحّت آن، بیان فرمایید.

ج. این اجاره باطل است؛(1)؛ زیرا در اجاره باید عین مال

1- استفتاء کتبی از دفتر آیه الله صافی گلپایگانی س: اجاره دادن طلا چه حکمی دارد؟الف)به این معنی که طلا رااجاره می دهند که یک شب استفاده شود ودر روز بعد برگردانده شود.ب)به این معنا که یک زرگر به زرگر دیگر یک کیلو طلا احاره می دهد تا سال دیگر آن را پس بگیرد. لکن زرگر دوم سال بعد یک کیلو طلای دیگر به او تحویل م یدهد. با توجه به اینکه در اجاره باید عین مال الاجاره برگردانده شود، این کار چه حکمی دارد؟ج)الف): فرض سوال اشکالی ندارد.ج)ب(: اجاره باطل است. استفتاء ش 172 ، تاریخ 9/ 2/ 93 س 1. نظر آیه الله مکارم شیرازی:ج (الف و ب): در صورتی که عی ن همن طلاها را بازنگرداند، اجاره مفهومی ندارد. راه صحیح آن است که شخص خواهان اجاره، یک کیلو طلا از طلا فروش به قیمت مثلاً یک میلیون و دویست هزار تومان در ذمّه خود خریداری کن د و طلا را تحویل بگیرد و بدهی در ذمّه اوست. سپس یک کیلو طلا به صورت تحویل یک سال)سلف(به طلافروش در مقابل یک میلیون از آنچه در ذمّه اوست را بفروشد که در راس سال یک کیلو طلا به او بدهد و دویست هزار تومان باقیمانده در ذمه را نیز بپردازد. استفتاء ش 135902 ، م14

باقی باشد که در اینجا باقی نیست؛ ولی راه حلّیت آن به این صورت می شود که آن سود و اجرتی را که می خواهد در طول سال بدهد، در مقابل جنسی کم ارزش معامله کند، به شرط این که یک ساله یک کیلو طلا را به عنوان قرض بگیرد.(1)

گنج و معدن

گنج: به مالی می گویند که در زمین ، دیوار یا درخت یا هرجای دیگر ، «توسط انسان» پنهان شده باشد ؛ مانند کوزه و ابزار و وسایل قدیمی که اکنون قیمتی شده اند و یا اشیاء گرانبهایی که در گذشته هم ارزشمند بوده است، مانند سکه و سنگهای تراشیده. (2)

معدن: اموال ارزشمندی است که در زمین یا کوه یا شبیه اینها نهفته است و «آفریده خداست» نه اینکه انسانی آن را مخفی کرده باشد. (3)

امام رضا علیه السلام در روایتی گنج و معدن را شامل خمس

1- استفتائات آیه الله بهجت 4319
2- برداشت از رساله آیه الله العظمی مکارم شیرازی مسأله 1534
3- المعدن: هو ما استُخرج من الأرض ممّا کانت أصله، و اشتمل علی خصوصیّه یعظم الانتفاع بها، و إلیه یرجع ما فی المسالک من أنّها: «هی البقاع التی أودعها اللّه شیئاً من الجواهر المطلوبه».(معجم فقه الجواهر، ج 5، ص: 463)

دانسته اند. (1)

خمس گنج و معدن

وقتی گنجی پیدا می شود ، ابتدا مخارجی که برای پیدا کردن گنج هزینه شده است را کسر کرده و بعد اگر ارزش آن به 105 مثقال نقره معمولی یا 15 مثقال طلای معمولی(2) برسد شامل خمس می شود که در این صورت باید یک پنجم آن را به عنوان خمس پرداخت کند.

معدن هم اگر به همین اندازه ارزش داشته باشد ، بنابر احتیاط واجب خمس به آن تعلق می گیرد. (3)

حکم گنجهای متعدد

اگر در ظرف های متعدّدی که در «یکجا» دفن شده مالی پیدا کند که قیمت آنها روی هم رفته 105 مثقال معمولی نقره یا 15 مثقال معمولی طلا باشد، باید خمس آن را بدهد.

اگر در «چند جا» گنج پیدا کند، هر کدام از آنها که قیمتش به این مقدار می رسد، خمس آن واجب است.

1- الْخُمُسُ مِنْ خَمْسَهِ أَشْيَاءَ مِنَ الْغَنَائِمِ وَ الْغَوْصِ وَ مِنَ الْكُنُوزِ وَ مِنَ الْمَعَادِنِ وَ الْمَلَّاحَهِ(نمکزار) (کافی ج1 ص540)
2- آیه الله سیستانی و آیه الله صافی و آیه الله بهجت می فرمایند: 105 مثقال نقره مسکوک(سکه) یا 15 مثقال طلای مسکوک
3- آیه الله مکارم: : احتیاط واجب آن است که نصاب معیّنی در آن نیست، یعنی آنچه را از معدن استخراج می کنند کم باشد یا زیاد خمس دارد

جواهر بدست آمده از راه غواصی

اگرچه امروزه جنبه های علمی غواصی بر جنبه های اقتصادی آن مقدم شده است ولکن هنوز در استانهای ساحلی کشورمان، امرار معاش مردم بر پایه دریا می باشد که در این میان، یافتن جواهرآلاتی همچون مروارید جایگاه خود را دارد.

لذا اگر به واسطهٔ غوّاصی (یعنی فرو رفتن در دریا)، لؤلؤ ومرجان، یا جواهر دیگری که با فرو رفتن در دریا به دست می آید، بیرون آورند، روئیدنی باشد، یا معدنی(در دل زمین باشد)، چنانچه هزینه های استخراج و بیرون آوردن آن را کم کنند و قیمت آن به 18 نخود طلا(1)

برسد، باید خمس آن را بدهند، چه در یک دفعه آن را از دریا بیرون آورده باشند، یا در چند دفعه، اشیایی که از دریا بیرون آورده از یک جنس باشد، یا از چند جنس.

نکاتی درباره خمس طلا

دراینجا تذکر این نکته خالی ازلطف نیست که محاسبه خمس طلا مانند باقی اجناس و کالاهای دیگر است یعنی اگر در باقی اجناس قیمت فروش نسبت به قیمت خرید افزایش داشته باشد، آن مقدار تفاوت، هنگام رسیدن سال خمسی متعلق خمس است .البته اگر

1- هر نخود طلا 330/3 گرم

خمس سرمایه اصلی را هم پرداخت نکرده باشد، باید آن را نیز پرداخت کند. مثلاً اگر قطعه طلا را 100 تومان خریده باشد و هنگام فروش 150 تومان قیمت گذاری شده باشد،باید خمس 50 تومان زیاده را سر سال خمسی بپردازد و اگرخمس آن 100 تومان را نیز نداده باید آن را هم بپردازد.

از آنچه گذشت (نداشتن فرق بین محاسبه خمس طلا

و دیگر اجناس) مشخص می شود که اگر مقداری طلا به

انسان به ارث برسد، متعلق خمس نمی شود؛ چون ارث

خمس ندارد.

استفتا(خمس طلا)

در کتب استفتائاتِ علما سوالات زیادی راجع به طلاهایی که بعنوان منفعت کسب هستند و یا طلاهایی که مردان برای همسرانشان می خرند یا زنان هدیه می گیرند مطرح شده است. به نمونه هایی از آن ها اشاره می کنیم:

س: اگر زنی طلای زینتی خود را که بدان نیز احتیاج دارد برای رفع نیازمندیها و مؤونه زندگی بفروشد و در سال مصرف کند:

1- آیا متعلق خمس است یا نه؟

2- چنانچه پولش تا تمام سال به مصرف نرسید و ماند برای سال دیگر آیا خمس دارد یا خیر؟

3- و در هر صورت اگر سالهای بعد چون نیاز به زینت

دارد اگر بخواهد دو مرتبه از در آمد کار، طلایی بخرد باید خمس آن را بدهد یا نه؟

ج : طلا اگر از در آمد کسب پیش از پرداخت خمس تهیه شده و در سال بعد بفروش رسیده پول فروش آن خمس دارد، و بعد اگر خواست از در آمد کسب به مقدار شئون خود زینت آلات تهیه کند از مؤونه محسوب است و خمس ندارد.

س: طلایی که مرد برای زن خود می خرد، آیا باید خمسش را بدهد؟

ج : اگر به مقدار شئون باشد، خمس ندارد.(1)

س: شوهری با مال متعلق خمس طلا برای همسرش خریده و به او بخشیده اگر شوهر خمس آنها را نپردازد آیا پرداخت خمس بر همسرش واجب است ؟

ج:بلی در فرض سوال همسرش باید خمس را بپردازد(2)

زکات طلا

در میان احکام مالی که ارتباط تنگاتنگی با مسائل عبادی دین اسلام دارد مسئله زکات است . جزئیات این مسئله (مانند : چیزهایی که زکاتشان واجب است، شرایط وجوب زکات هر کدام از آنها، مقدار زکاتی که باید پرداخت

1- استفتاءات امام خمینی، ج 1، ص: 355
2- استفتائات آیه الله فاضل 870

شود و مصارف زکات و ...) را می توان در رساله های عملیه مراجع معظم تقلید مطالعه نمود.

یکی از چیزهایی که با شرائط خاصی پرداخت زکات در آن واجب است طلا و نقره می باشد ولکن برای اینکه بدانیم چه طلا و نقره ای مشمول حکم زکات می شود مسئله 1800 توضیح المسائل حضرت امام رحمه الله علیه را مرور می کنیم:

1- زکات طلا و نقره در صورتی واجب می شود که آن را سکّه زده باشند و معاملهٔ با آن رایج باشد.

2- و اما در سکّهٔ طلا و نقره ای که منقوش نشده اند زکات واجب نیست مگر آن که رایج در معاملات باشند که زکاتشان بنابر احوط واجب است.

با توجه به مسئله بالا امروزه بدلیل اینکه طلا و نقره مانند گذشته، سکه های رایج داد و ستدهای بین مردم نیستند دیگر شامل این حکم فقهی نمی شوند . همانطور که در نظرات فقهای معاصر بر این موضوع تصریح شده است:

به طلای غیر مسکوک (سکه) زکات تعلق نمی گیرد.(1)

1- http://www.leader.ir/langs/fa ، و استفتاء کتبی از دفتر آیه الله صافی گلپایگانی :س: الف) قطعه طلایی را به عنوان رهن در مقابل مبلغی قرار م یدهد، آیا این کار صحیح است؟)با توجه به نوسان بازار طلا اگر ارزش این قطعه طلاخیلی بالا رفت یا خیلی پایین آمد، چه حکمی دارد؟ب) در صورت اتمام مدت رهن، آیا مرتهن می تواند آن قطعه طلا را بفروشد؟ (باتوجه به اینکه در ابتدای مدت رهن، قیمت این طلاده تومن بوده و اکنون بیست تومن شده؟)ج)الف): رهن طلا اشکالی ندارد. ج)ب): طلبکار می تواند طلا را بفروشد و دین خود را بردارد و الباقی را به مدیون برگرداند. استفتاء ش 172 تاریخ 9/ 2/ 93 س 2..

زیور و آلات و سکه های فعلی زکات ندارد(1)

به سکه های بهار آزادی زکات تعلق نمی گیرد(2)

ص: 78

1- www.sistani.org/persian/qa . استفتاء شفاهی از دفتر آیه الله وحید خراسانی
2- استفتاء 625 آیه الله فاضل لنکرانی

ص: 79

ص: 80

فصل سوم : زینت و پوشش با طلا و جواهرات

اشاره

میل به زیبایی در یکایک انسان ها وجود دارد و هر کس به نوعی سعی می کند که زیبایی خود را با توجه به افکار و اهداف خود به نمایش بگذارد. این امر در دین مبین اسلام نیز مغفول نمانده است و در مباحث متعدد، مسئله زینت و زیبایی را مطرح نموده است. انسان به دنبال زینت بخشی به خودش ، ابزار و وسایلی را تولید کرده تا بتواند به زیبایی مورد نظرش دست یابد که اکنون به زیور آلات و جواهرات تعبیر می شوند. زمان و مکان به نمایش گذاشتن زینت و زیبایی از نظر اسلام مراتبی دارد. بهترین نوع آن را آراستگی زن در مقابل شوهر خود برشمرده اند. البته آراستگی و زینت زن در تمام حالات امری نیکو شمرده شده است که نهایت و مرز آن، جایی است که در معرض دید نامحرم باشد؛ یعنی تا زمانیکه این زینت و آرایش از دید نامحرم مخفی باشد ، مانعی ندارد. از آنجا که در برخی آیات قرآن آمده است، خداوند

برای بسیاری از مخلوقات و شاید برای همه آنها زینتی قرار داده ؛ مثلا ستارگان را زینت برای آسمان(1) و درخت و سبزه ها را زینت برای زمین(2)

قرار داده است. این خدای حکیم که زیبایی ها را دوست دارد(3)، زینت حقیقی انسان را نیز ایمان و تقوا برشمرده است. نگاه مادی و دنیوی به زینت نیز مرزبندی و حدودی را لازم دارد و الا آنچه را که قرار است با زینت بدست آوریم ، هیچگاه موفق به فراهم کردن آن نخواهیم بود.

شخصی نزد امام صادق علیه السلام آمد و عرض کرد من لباسهای گرانبهایی به تن می کنم . کار صحیحی انجام می دهم ؟ حضرت فرمودند : هیچ اشکالی ندارد و فرمودند: امیرالمومنین علی علیه السلام، ابن عباس را بسوی خوارج فرستاد در حالیکه لباسهای گرانبها به تن داشت و بر بهترین مرکب ها را سوار بود. خوارج به ابن عباس گفتند : تو نسبت به مردم فضیلت بیشتری داری ! اما اکنون با لباس متکبران و اغنیا با ما ملاقات می کنی !؟ ابن عباس آیه قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِینَةَ اللَّهِ الَّتِی أَخْرَجَ لِعِبادِهِ وَ الطَّیِّباتِ مِنَ الرِّزْق (4)را تلاوت

1- إِنَّا زَیَّنَّا السَّماءَ الدُّنْیا بِزِینَةٍ الْکَواکِبِ صافات 6
2- إِنَّا جَعَلْنا ما عَلَی الْأَرْضِ زِینَةً لَها لِنَبْلُوَهُمْ أَیُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلاً کهف7
3- قَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ (علیه السّلام) إِنَّ اللَّهَ جَمِیلٌ یُحِبُّ الْجَمَالَ وَ یُحِبُّ أَنْ یَرَی أَثَرَ النِّعْمَهِ عَلَی عَبْدِهِ. کافی ج6 ص438
4- اعراف 32

کرد. بعد از اینکه امام صادق علیه السلام این داستان را نقل کردند فرمودند: خداوند زیبا است و زیبایی را دوست دارد البته اگر حلال باشد(1).

خوارج فکر می کردند کسیکه از دیگران فضیلت بیشتری دارد نباید از زینتهای دنیا بهره ای داشته باشد ولکن امام صادق علیه السلام با استفاده از این ماجرا قصد داشتند بفهمانند که این طرز فکر غلط است . بلکه همانطور که در ابتدای این کتاب با توجه به آیات قرآن آمده است ، مقصود اصلی خداوند متعال از خلقت زینتهای دنیا ، بهره بردن مومنان و متقین می باشد ، و بهره مندی دیگران از زینتهای دنیا بواسطه تفضّل الهی خواهد بود.

طلا و زینت در نماز

امام حسن علیه السلام موقعی که برای نماز به مسجد می رفتند بهترین لباس خود را به تن می کردند و می فرمودند که برای خدای خودم زینت می کنم و آیه «خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ(2)» را تلاوت می کردند.(3)

قطعا استفاده از بوی خوش و لباس زیبا و مناسب با نماز از فضیلت بسیاری برخوردار است ولکن رعایت چند

1- کافی ج6 ص442
2- زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد، با خود بردارید اعراف 31
3- تفسیر عیاشی ج2 ص14

نکته لازم است:

استفاده مردان از طلا بطور کلی حرام است و در نماز نیز موجب باطل شدن نماز هم می شود. لذا اینطور نیست که اگر مردی انگشتر طلای خود را موقع نماز از انگشت خارج کند و بعد از نماز آن را دوباره به دست کند، کار حرامی مرتکب نشده باشد..

در استفاده مرد از طلا ، فرقی بین پیدا و پنهان بودن نیست. مثلا اگر گردنبند طلای او معلوم نباشد باز هم حرام است و نماز با آن باطل می باشد.

البته اگر مردی فراموش کند که انگشتر طلا بدست دارد و بعد از نماز متوجه شود، نمازش صحیح است.

زینت زنان با طلا در نماز و غیر نماز هیچ اشکالی ندارد.

پرسش و پاسخ (نماز خواندن با طلا)

اگر مردی طلایی مثل انگشتر یا گردنبند طلا در جیب خود داشته باشد در هنگام نماز خواندن نماز او باطل است؟ و اگر گردنبند طلا به گردن داشته باشد ولی آن پیدا نباشد چطور؟

پاسخ: نماز در صورت اول صحیح است و در صورت دوم باطل است (1).

1- www.Sistani.org

حلقه عقد

متاسفانه در بین مردان تا حدودی این مسئله وجود دارد که فکر می کنند استفاده از طلا به مدت کوتاه اشکالی ندارد ولی این فکر نادرستی است. استفاده مردان از طلا حتی به مدت کوتاه مثلا جلسه عقد حرام می باشد. بعضی از مردان می گویند که حلقه طلا بعنوان علامت نامزدی ما شمرده می شود و قصد زینت در آن وجود ندارد که در این صورت هم استفاده جایز نمی باشد. (1)

از وسایل زینتی مردان ساعت مچی است که دربعضی موارد عقربه های آن ازطلا می باشد. استفاده از چنین ساعتهایی اشکال ندارد و نماز با آن صحیح می باشد. (2)

پرسش و پاسخ (وظیفه مرد در قبال حلقه طلا)

س: اگر در مراسماتی چون ازدواج که برای مرد انگشتر طلا خریداری می شود مرد طلای خریداری شده را بپذیرد وبعد آنرا بفروشد پولی که از فروش انگشتر بدست می آورد آیا حلال است یا حرام؟ ضمنا بدست کردن حلقه طلا برای امتحان اندازه بودن یا نبودن ایراد شرعی دارد یا ندارد؟

ج: می توانید پول را در مقابل نگین آن بگیرد ومجرد

1- استفتائات رهبری . 445
2- استفتائات حضرت امام ؛ ، س 55

اندازه گرفتن پوشیدن شمرده نمی شود(1)

سخنی با ورزشکاران (مدال طلا)

ورزشکارانی که درسطح داخلی وبین المللی مشغول به پیکار باحریفان وکسب مقامات بالا هستند با هر پیروزی خود ملت ایران راشادمان کرده ، افتخار دیگری برای ایران اسلامی رقم می زنند.ضمناً ازاین رو که اینان نمایندگان پرافتخار ایرانی هستند که مزیّن به حکومت جمهوری اسلامی است، رعایت قوانین واحکام اسلامی قطعاً می تواند درترویج و شناساندن این مذهب گام مؤثر وبزرگی باشد .درهمین راستا باید گفت که اکثر مراجع عظام تقلید به گردن آویختن مدال طلا رابرای مردان حرام و نماز خواندن با آن را باطل می دانند.(2)

دندان طلا و روکش طلا

امروزه استفاده از دندان طلا به دلایل گوناگون با استقبال کمتری روبروست ولکن کسانی هستند که دندان های طلا دارند و با وجود اینکه استفاده مرد از طلا حرام است می خواهند بدانند ، نماز خواندنشان با دندان

1- http://www.sistani.org/persian/qa
2- آیه الله سیستانی دراستفتاء ش 4997، س 6و آیه الله همدانی در استفتاء ش 11090، س 5 می فرمایند: اکر صرف گذاشتن و برداشتن باشد اشکالی ندارد.

طلا چه حکمی دارد؟ در جواب این سوال فرموده اند: گذاشتن روکش طلا یا پلاتین روی دندان اشکال ندارد، ولی پوشاندن دندان های جلو با طلای زرد، اگر به قصد زینت باشد، خالی از اشکال نیست.(1) ملاک حرمت استفاده از طلا برای پوشیدن یا به گردن آویختن توسط مردان صدق زینت نیست بلکه به هر صورت و به هر قصدی اگر استفاده شود حرام است ولی استفاده از آن توسط مردان برای مصارف پزشکی اشکال ندارد.(2)

نکته پزشکی

طبق بررسی های انجام شده تعداد گلبولهای سفید در خون مردان بیشتر از بانوان است و تماس بدن مرد با طلا باعث ازدیاد قابل توجه گلبول سفید در خون ایشان می شود.این افزایش به طور طبیعی موجب کاهش گلبول های قرمز در خون می شود که در نهایت باعث به

1- اجوبه الاستفتائات آیه الله العظمی خامنه ای سوال449 استفتاء آیه الله مکارم شیرازی، استفتاء ش 135902 ، م 13 :س: استفاده مرد از دندان طلا یا دندانی که روکش طلا دارد یا لباسی که بخشی از آن طلاست و یا یک قسمت طلا کوب دارد، چه حکمی دارد؟ نماز با اینهاچه حکمی دارد؟ ج: اگر دندان طلا در جلو باشد و جنبه زینت داشته باشد، برای مردان چه درنماز و چه در غیر نماز اشکال دارد، مگر اینکه ناچار باشد و در مورد لباس جایز نیست
2- استفتائات مقام معظم رهبری سوال 446

هم خوردن تعادل دو نوع گلبول می شود. همین امر باعث بروز کم خونی در مردان می شود و از سوی دیگر باعث بروز سرطان خون نیز خواهد شد که همگی بر اثر اشکال در گلبولهای بدن است .

علاوه بر این از طلا یک نوع اشعه خارج می شود که باعث می شود این اختلال در مردان رخ دهد اما ساختار بدن زن اینگونه نیست . بین پوست وگوشت بدن زن یک لایه چربی وجود دارد که همین چربی باعث می شود که این اشعه در بدن زن اثر نگذارد.

از ضررهای دیگری که اطبا در استفاده طلا برای مرد متذکر شده اند تأثیر منفی این اشعه طلا روی هرمونهای جنسی مرد است . استفاده از طلا توسط مردان باعث بروز اشکالات هرمونی شده و حرکت اسپرم ها را با مشکل مواجه می کند به طوری که سرعت آنها به قدری کاهش پیدا می کند که قدرت کافی برای باروری تخمک نداشته و موجب ناباروری مرد می شود در واقع بررسی های صورت گرفته حاکی از آن است که بیشترین تأثیر طلا دربافتهای بدن مرد روی اندام تناسلی است .

علاوه بر ناباروری که پیامد مهمی در استفاده طلا است مشکلات روحی و خانوادگی ناشی از آن را هم باید اضافه کرد که گاهی باعث هزینه های زیاد برای درمان

ناباروری و حتی بر هم خوردگی زندگی ها میشود . در این میان حتی افرادی که از طلا به عنوان زینت استفاده نمی کنند و تنها شغل آنها ایجاب می کند که باطلا در ارتباط باشند هم از این خطرات در امان نیستند . طلا در طبیعت به سه رنگ زرد و سفید و قرمز هست که رنگ آن مهم نیست و مهم ماهیت آن است که این عوارض را دارد که در هر سه رنگ آن این عوارض هست.(1)

ظروف طلا

»وَ لَوْ لا أَنْ يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً واحِدَةً لَجَعَلْنا لِمَنْ يَكْفُرُ بِالرَّحْمنِ لِبُيُوتِهِمْ سُقُفاً مِنْ فِضَّةٍ وَ مَعارِجَ عَلَيْها يَظْهَرُونَ * وَ لِبُيُوتِهِمْ أَبْواباً وَ سُرُراً عَلَيْها يَتَّكِؤُنَ * وَ زُخْرُفاً وَ إِنْ كُلُّ ذلِكَ لَمَّا مَتاعُ الْحَياةِ الدُّنْيا وَ الْآخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقينَ» (2)

و اگر [بهره مندی کفار از انواع نعمت های مادی و تهیدستی مؤمنان، سبب] این نبود که همه مردم [به خاطر ضعف ایمان و ناآگاه بودن به حقایق] بر محور کفر، امتی واحد شوند، ما برای خانه های کافران، سقف هایی از نقره قرار می دادیم و نردبان هایی که با آن بر بالای خانه ها برآیند. * و برای خانه هایشان [نیز] درها و تخت هایی [از نقره

1- سایت دانشگاه علوم پزشکی ایلام و سایت تبیان www.tebyan.net
2- زخرف آیه 33-34-35

می ساختیم] که بر آن تکیه زنند، * و [برای خانه ها و زندگی آنان] زر و زیور [قرار می دادیم]، ولی همه این ها جز کالای اندک زندگی دنیا نیست، و آخرت نزد پروردگارت برای پرهیزکاران است.

زندگی بر مدار تشریفات و مصرف گرایی ، از اهدافی است که دشمنان اسلام پیوسته بدنبال آن هستند که در زندگی مسلمانان و معتقدین به خدا و ائمه اطهار علیهم السلام گسترش دهند. زیرا با این عمل می توانند لذت زودگذر و محسوس حیات مادی را به مومنین بچشانند و با استمرار آن ، اعتقاد به قیامت و معاد را کمرنگ کنند. عملی که می تواند در نهایت منجر به انحطاط و سقوط یک مومن باشد. از طرفی هم، جهان کفر که سردمدار مادی گرایی است، توانسته چیرگی خود را به عالم نشان دهد، زیرا همان مسلمانانی که شریعتشان اسراف را حرام کرده و هم دردی با فقرا را از افتخاراتش می دانسته است اکنون برخی از آنان بدنبال بدست آوردن زیورآلات جدید و استفاده از رفاهی ترین کالاهای زندگی ، محتاج غیرمسلمانان است.

در شریعت محمدی (همانطور که در آیات فوق آمد) اگر تجمل گرایی یک امتیاز و افتخار بود ، قطعا خداوند آن را برای بندگان و مومنین خودش انتخاب می کرد ولکن

خداوند می فرمایند: «ما سقف های خانه های کفار

را از نقره قرار می دادیم» و اینگونه تجملات را برای ایشان که اعتقادی به خداوند ندارند قرار می دادیم.

امام باقر علیه السلام و خانه ی مجلل

حَکَم بن عُتَیبِه در خانه ای مجلل و مزین به زیورآلات به محضر امام باقر علیه السلام شرفیاب شد. شگفت زده به در و دیوار زیبای خانه نگاه می کرد و از اینکه امام در چنین خانه مجللی حضور یافته است تعجب می کرد. امام متوجه تعجب او شد لذا فرمود: درباره این گونه زندگی کردن چه فکر می کنی؟ حَکم عرض کرد : اینگونه زندگی شما را برای بعضی جوانان تصور می کنیم. حضرت این آیه شریفه را تلاوت فرمودند: مَنْ حَرَّمَ زِینَةَ اللَّهِ الَّتِی أَخْرَجَ لِعِبادِهِ(بگو: زینت های خدا و روزی های پاکیزه ای را که برای بندگانش پدید آورد، چه کسی حرام کرده؟) (1)

این خانه هم از نعمتهای الهی است که به ما ارزانی داشته و البته من به تازگی ازدواج کرده ام و این خانه ای که می بینی خانه همسر من است و الا خانه خود من همان خانه ای است که تو فکر می کنی. (2)

1- اعراف 32
2- کافی ج6 ص446

اگر چه حضرت صاحب چنین خانه ی مجللی نبودند و کسی را هم به اینگونه زندگی ترغیب نکردند ولکن از داشتن چنین خانه ای هم نهی نکرده اند .

البته با نگاه به روایات معصومین علیهم السلام بویژه نامه های حضرت امیرالمومنین علیه السلام به والیان و کارگزارانشان(1) در نقاط مختلف حکومت اسلامی در می یابیم که اهتمام به ساده زیستی در مسئولین باید بسیار بیشتر از سایر مردم باشد و این بخاطر انتسابشان به حکومت اسلامی است .

ساخت ، خرید و فروش و استفاده از ظروف طلا

از صریح ترین مصادیق تجمل گرایی و اشرافی گری استفاده از ظروف گران قیمت است. در برخی مجامع رقابت و فخرفروشی بی ارزش دنیوی به حدی رسیده است که پذیرایی با ظروف طلا و نقره از ارزش ها بشمار می رود بر اساس احکام الهی، خوردن و آشامیدن در ظروف طلا و نقره حرام می باشد. اگرچه خوردن و آشامیدن در ظرفی که روی آن آب طلا یا آب نقره دارد اشکال ندارد(2) همانطور

1- نامه های 3 به شریح قاضی ، 20 و 21 به زیاد بن ابیه ، 40 و 41 یکی از کارگزاران و ...
2- توضیح المسائل حضرت امام خمینی مسأله 225 1-بهجت: اشکال دارد231 وحید : ولی ظرفی که نقره کاری شده از جای نقره کاری آن نخورند و نیاشامند. 236

که نگهداری و زینت اتاق توسط این ظروف اگر اسراف نباشد، بدون اشکال است. (1)

البته غیر از بحث استفاده از ظروف طلا و نقره ، مسئله ساخت آن مورد اهمیت است که اگر برای استفاده حرام نباشد اشکال ندارد.(2)

پیرامون خرید و فروش ظروف طلا و نقره نیز نظرات مراجع متعدد است ولکن بنظر امام راحل رحمه الله علیه : «خرید و فروش ظرف طلا و نقره و نیز پولی را که فروشندۀ آن

1- توضیح المسائل حضرت امام خمینی مسأله 221 بهجت: استعمال آنها در غیر زینت محل احتیاط است. 227 فاضل: استعمال آنها در زینت اتاق حرام است ولی در غیر زینت حرام نیست 231 مکارم : بنابر احتیاط واجب استفاده آنها برای زینت اتاق یا هرمنظور دیگر جائز نیست.247 وحید: بنابر احتیاط واجب مطلق استعمال آنها هر چند زینت اتاق جائز نیست ولی نگهداری مانع ندارد234 سیستانی : مانند امام: گرچه احوط در ترک است در زینت و نگهداری. 227 صافی : نگهداری آنها به قصد ذخیره مالی حرمتش معلوم نیست گرچه احوط در ترک است. 232
2- توضیح المسائل حضرت امام خمینی مسأله 222 وحید: جائز نیست مگر برای زینت نمودن که محل اشکال است 234 مکارم: بنابر احتیاط واجب باید اجتناب کرد.248 بهجت : برای استعمال حرام ، حرام است ولی غیر آن نه228 سیستانی: مانع ندارد گرچه احوط در ترک است. 227 صافی : در استعمالات محرمه حرام است. 233

می گیرد، حرام نیست.»(1)

ص: 94

1- آیه الله مکارم : خرید وفروش و مزد آنها اشکال دارد. 248 آیه الله وحید: اشکال ندارد مگر برای زینت که محل اشکال است. 234 آیه الله سیستانی: مانع ندارد گرچه احوط در ترک است .227 آیه الله صافی : به قصد استعمالات محرمه حرام است. 234

فصل چهارم :مسائل متفرقه

اشاره

ص: 95

ص: 96

طلا در مسجد

مسجد بعنوان نماد مسلمین و محل اجتماع آنان ، نباید بنای مخروبه ای باشد بلکه می بایست ساده و بدون تشریفات و دارای آراستگی و زینتهای ظاهری باشد . اگر چه گفته شده است در ساخت مساجد باید به این نکته توجه داشت که زینتهای مسجد به گونه ای نباشد که توجه نمازگزاران را به خود جلب کند و از نماز منصرف نماید بلکه به اندازه معقول اکتفا شود . امروزه مساجد را به شیوه های مختلف تزیین می کنند مانند کاشی کاری ، استفاده از چوب ، نورپردازی و راههای دیگر. از نظر فقهی مانعی برای اینگونه آراستگی ها وجود ندارد ولکن به نظر اکثر مراجع عظام تقلید «بنابر احتیاط واجب، مسجد را نباید با طلا زینت کرد.»(1)

از طرفی نیز اگر نکات شرعی لازم

1- توضیح المسائل امام مسأله 890

رعایت شود ، نوشتن قرآن و اسماء متبرکه بر روی طلا و جواهر مانعی ندارد. (1)

مهریه

وَ آتُوا النِّساءَ صَدُقاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَیْ ءٍ مِنْهُ نَفْساً فَكُلُوهُ هَنیئاً مَریئا(2)

«و مهر زنان را (بطور کامل) بعنوان یک بدهی (یا عطیه،) به آنان بپردازید ! (ولی) اگر آنها چیزی از آن را با رضایت خاطر به شما ببخشند، حلال و گوارا مصرف کنید !»

از مسائلی که در بحث ازدواج مورد ابتلا مسلمانان می باشد مسئله مهریه است. مهریه مالی است که مرد در ازای ازدواج نمودن پرداخت می کند و اختصاصی هم به دین اسلام ندارد . حتی پیش از اسلام و اکنون در ادیان غیر از اسلام این امر اتفاق می افتد.

عقد دائم بدون تعیین مهریه صحیح است یعنی می توانند قبل از عقد و حین خواندن صیغه عقد مهریه را تعیین ننمایند اما بعد از ازدواج مرد ملزم به پرداخت

1- استفتاء کتبی از دفتر آیه الله مکارم شیرازی استفتاء ش 135902، س 15: س: نوشتن قرآن واسماء متبرکه روی طلا و جواهر چه حکمی دارد؟ ج: درصورتی که جهات شرعی رادر مورد آن رعایت کنند، مانعی ندارد. نظر آیه الله سیستانی: اشکال ندارد.استفتاء ش 4998، س 6.
2- سوره نساء آیه 4

«مهر المثل»(1)

خواهد بود.(2)

در اسلام مقدار معینی برای مهریه واجب نشده است و به توافق طرفین واگذار شده است ولکن از روایات فهمیده می شود همانطور که مهریه زیاد مورد تایید ائمه اطهار علیهم السلام نیست ، از قرار دادن مهریه کم نیز نهی شده است. در روایتی از وجود نورانی امیرالمومنین علیه السلام نقل شده است : «إِنِّی لَأَکْرَهُ أَنْ یَکُونَ الْمَهْرُ أَقَلَّ مِنْ عَشَرَهِ دَرَاهِمَ لِئَلَّا یُشْبِهَ مَهْرَ الْبَغِیِّ.»(3) بر من ناگوار است که مهریه ای کمتر از ده درهم(4) باشد تا شبیه اجرت بدکاران نشود.

در مقدار مهریه بهترین نمونه و الگو ، زندگی حضرت امیرالمومنین علیه السلام با حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است . علاوه بر رفتار و کردار اهلبیت علیهم السلام در این مسئله روایاتی هم که مهریه زیاد را نفی می کنند بسیار است . در روایتی از امام صادق علیه السلام، مبارکی و میمنت زن را در مهریه ی کم او و

1- با توجه به مسئله 6 در تحریر الوسیله ج3 ص 532 مراد از مهر المثل : ملاحظهٔ حال زن و صفات او از سن و بکارت و نجابت و عفت و عقل و ادب و شرف و جمال و کمال و اضداد اینها است، بلکه هر چه که عرفا و به طور عادی در بالا بردن مهر و نقصان مؤثر است، ملاحظه شود، پس خویشان و فامیل و شهر آن زن و غیر اینها هم ملاحظه شوند.
2- با توجه به مسئله 3،4،5 تحریر الوسیله ج3 ص531
3- وسائل الشیعه ج 21 ص254
4- (419.58 گرم نقره)

نامبارکی زن را در مهریه ی زیاد او دانسته اند. (1)

امروزه در بین متدینین مقدار متعادل مهریه را «مَهرُالسُنَّه» می نامند . مهرالسنه همان مقدار مهریه ای است که رسول خدا حضرت محمد صلی الله علیه وآله وسلم برای همسرانشان در نظر می گرفتند که در روایات و نقل های تاریخی 500 درهم یا 50 دینار ذکر شده است.(2) حضرت امام خمینی ره در پاسخ به استفتائی در مورد مهرالسنه، مقدار آن را 262.5 مثقال بازاری نقره مسکوک نگاشته اند.(3)

کفارات و دیات

در مبحث کفارات و دیات و ... چند مقدمه را باید در نظر گرفت:

دینار و مثقال شرعی با دینار و مثقال بازاری (عرفی و صیرفی) متفاوت است .

دینار شرعی و مثقال شرعی یکی هستند و تفاوت ، تنها در سکه بودن دینار است .

یک «دینار» یک مثقال شرعی است.(4)

1- عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السّلام) قَالَ: مِنْ بَرَکَهِ الْمَرْأَهِ خِفَّهُ مَئُونَتِهَا وَ تَیْسِیرُ وِلَادَتِهَا وَ مِنْ شُؤْمِهَا شِدَّهُ مَئُونَتِهَا وَ تَعْسِیرُ وِلَادَتِهَا . وسائل الشیعه ج 21 ص 250
2- مصطلحات الفقه، ص: 526
3- استفتائات حضرت امام خمینی س 31 مهر السنه
4- تحریر الوسیله ج 2ص26

الدینار مثقال شرعیّ(1)

و الدینار الشرعی هو مثقال شرعی کما نص علیه .(2)

خلافی نیست میان علماء که دینار در جاهلیت و اسلام تفاوت نکرده است، و دینار و مثقال شرعی یکی است؛(3)

در تبدیل دینار و مثقال شرعی به اوزان کنونی چنین می توان گفت:

محاسبه مثقال شرعی (دینار شرعی)

هر نخود 3.330 گرم است

هر مثقال شرعی 18 نخود است .

پس هر مثقال شرعی 59.94 گرم است

محاسبه مثقال بازاری (صیرفی ، عرفی)

هر نخود 3.330 گرم است

هر مثقال صیرفی 24 نخود است(4)

پس هر مثقال صیرفی 79.92 گرم است (5)

محاسبه درهم

هر ده درهم هفت مثقال شرعی است(6)

1- العروه الوثقی مع تعالیق الامام الخمینی ص 609 {زکات نقدین}
2- اوزان و المقادیر ص52
3- حدود و قصاص و دیات (مجلسی)، ص: 114
4- تحریرالوسیله ج1 ص138
5- نجاه العباد ص178
6- تحریر ج 2 ص 27

هر مثقال شرعی 59.94 گرم است

پس 7 مثقال شرعی : 419.58 گرم می شود که مساوی است با 10 درهم

10 درهم : 419.58 گرم است .

پس یک درهم 41.958 گرم است.

دینار و درهم- بر خلاف پولهای رایج امروزی که صرفاً دارای ارزش اعتباری اند- علاوه بر ارزش اعتباری دارای ارزش ذاتی است و آنچه مورد نظر فقها است، همان طلای مسکوک با وزن معیّن است. از این عنوان در بابهای طهارت، زکات، خمس، تجارت، حدود و دیات سخن گفته اند.

طهارت

برای استغفار از برخی گناهان و محرمات ، علاوه بر توبه لازم است که کفاره نیز پرداخت شود . مثلا اگر مردی با زن حائض از جلو مقاربت و جماع کند علاوه بر اینکه کار حرامی مرتکب شده است و باید استغفار نماید ، پرداخت کفاره نیز به گردن او می آید.

کفاره ی این گناه را به شرح ذیل می باشد:

چنانچه شمارۀ روزهای حیض زن، (یعنی تعداد روزهایی که زن خون حیض می بیند) به سه قسمت تقسیم شود؛ در اینصورت :

1- اگر مرد در قسمت اول آن، با همسرش از جلو جماع کند، بنابر احتیاط واجب، باید هیجده نخود طلا(یک دینار)، کفاره به فقیر بدهد. (یک دینار یا 75/0مثقال شرعی یا 59.94مثقال بازاری (صیرفی) است معادل همان گرم .)

2- اگر در قسمت دوم آن جماع کند، باید نُه نخود طلا (نصف دینار)، کفاره به فقیر بدهد. (که همان نصف دینار یا مثقال شرعی است معادل 29.97 گرم)

3- اگر در قسمت سوم آن جماع کند، باید چهار نخود و نیم طلا(1)، کفاره به فقیر بدهد.(که همان ربع دینار یا مثقال شرعی است معادل 14.985 گرم)

مثال: اگر زنی که شش روز خون حیض می بیند، اگر شوهرش در شب یا روز اول و دوم، با او جماع کند، باید هیجده نخود طلا بدهد و در شب یا روز سوم و چهارم، نُه نخود و در شب یا روز پنجم و ششم باید چهار نخود و نیم طلا بدهد.(2)

حدود

یکی از کاربردهای طلا و نقره معیار بودن آن در برخی حدود الهی است که در حد سرقت، دیه قتل، سقط

1- یک چهارم دینار
2- توضیح المسائل حضرت امام خمینی مسأله 443

جنین، دیه ضرب و جرح دیگران و احکام مال پیدا شده نقش دارد. اجرای حدود با دقت فراوان، آثار حیات بخشی در جامعه دارد بطوری که در حدیث شریف آمده است:

عَنْ أَبِی إِبْرَاهِیمَ علیه السلام فِی قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ یُحْیِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهاَ(1) قَالَ لَیْسَ یُحْیِیهَا بِالْقَطْرِ وَ لَکِنْ یَبْعَثُ اللَّهُ رِجَالًا فَیُحْیُونَ الْعَدْلَ فَتُحْیَا الْأَرْضُ لِإِحْیَاءِ الْعَدْلِ وَ لَإِقَامَهُ الْحَدِّ لِلَّهِ أَنْفَعُ فِی الْأَرْضِ مِنَ الْقَطْرِ أَرْبَعِینَ صَبَاحاً (2)

امام کاظم علیه السلام در تفسیر آیه «و زمین را پس از مردنش حیات می بخشد» می فرمایند: (خدا) زمین را با بارش باران زنده نمی کند بلکه کسانی را برمی انگیزد تا برابری را بپا می دارند؛ بنابراین زمین بخاطر زنده شدن عدالت ، زنده می شود . برپایی حدود خدا بر روی زمین بسیار سودمندتر است از بارش چهل روزه باران.

«حدود» جمع «حد» است . منظور از «حد» در احکام «مجازاتی است که دین برای برخی از گناهان و معاصی در نظر گرفته است» .

برخی از این گناهان (مانند: حد زنا ، قذف (تهمت های ناروا) ، سرقت و محاربه (استفاده از آلات جنگی برای

1- سوره روم آیه 19
2- کافی ج 7 ص 174 باب التحدید ح 2

ترساندن مردم) در قرآن ذکر شده اند.

حدودی که برای این گناهان در نظر گرفته اند متفاوت است ، قتل و حبس و تازیانه و ... . ولکن آنچه با موضوع این نوشتار همخوانی دارد حدودی است که در رساله های عملیه با طلا و نقره یا درهم و دینار معین شده اند. لذا با انجام آن گناه ، ملزم به پرداخت مبلغی می باشد.

سرقت

«وَ السَّارِقُ وَ السَّارِقَهُ فَاقْطَعُوا أَیْدِیَهُما جَزاءً بِما کَسَبا نَکالاً مِنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَزیزٌ حَکیم»(1)

«دست مرد دزد و زن دزد را، به کیفر عملی که انجام داده اند، بعنوان یک مجازات الهی، قطع کنید ! و خداوند توانا و حکیم است. »

تشخیص اینکه چه کسی دزد است و در چه صورتی باید انگشتان او را قطع کرد با حاکمان شرع است؛ و الا اگر قرار بود هر کس آن هم بصورت سلیقه ای اینگونه احکام الهی را اجرا نماید موجب هرج و مرج در جامعه می شد.

ضمنا دین اسلام برای اجرای حدود، قوانین فراوان و پیچیده ای در نظر گرفته است که بدون تسلط برآنها ، اجرای احکام خداوند جایز نیست . فراوانی و پیچیدگی احادیثِ حدود ، خود گواه بر اهمیت داشتن جان و

1- سوره مائده آیه 38

سلامتی یک مسلمان است . اگرچه او خطا و گناهی هم انجام داده باشد ولکن نمی تواند دلیل بر این باشد که هر کس به دلخواه خود شخص خطا کار را مجازات نماید .

از شرایطی که برای قطع انگشتان سارق ذکر شده است ، ارزش مالی است که او سرقت کرده است . در بیان این مقدار فرموده اند: «نصاب قطع آن است که به ربع دینار (14.985 گرم) طلای خالصی که سکه بر آن زده شده باشد برسد، از لباسها و معادن و میوه ها و اطعمه- تازه باشد یا نه، اصل آن برای تمام مردم مباح باشد یا نه، از چیزهایی باشد که فساد به سرعت آن را می گیرد مانند سبزیجات و میوه های تازه و مانند آنها، یا نه- و خلاصه هر آنچه را که مسلمان مالکش می شود در صورتی که به این حد برسد، در آن قطع می باشد.(1)»

یعنی اگر کسی مالی را که ارزشش بیشتر از 14.985 گرم طلای خالص بود بدزدد باید انگشتانش قطع شود و قطع کردن انگشتان کسی که کمتر از این مقدار دزدیده جایز نیست (اگر چه بازگرداندن مالی را که به سرقت برده است واجب است) . این حکم برای زن و مرد یکسان است(2) .

1- تحریر الوسیله ج4 ص226
2- تحریر الوسیله ج 4 ص227

«وَ ما کانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ یَقْتُلَ مُؤْمِناً إِلاَّ خَطَأً وَ مَنْ قَتَلَ مُؤْمِناً خَطَأً فَتَحْریرُ رَقَبَهٍ مُؤْمِنَهٍ وَ دِیَهٌ مُسَلَّمَهٌ إِلی أَهْلِهِ إِلاَّ أَنْ یَصَّدَّقُوا»(1)

« هیچ فرد باایمانی مجاز نیست که مؤمنی را به قتل برساند، مگر اینکه این کار از روی خطا و اشتباه از او سر زند (و در عین حال،) کسی که مؤمنی را از روی خطا به قتل رساند، باید یک برده مؤمن را آزاد کند و خونبهایی به کسان او بپردازد مگر اینکه آنها خونبها را ببخشند »

اگر کسی بر روی انسان جنایتی مرتکب شود ، شخص جنایت دیده می تواند با توجه به شرائطی که در کتب فقها آمده است درخواست قصاص نماید به این معنا که شبیه همان جنایتی که به او وارد شده است را به شخص ظالم وارد نماید . مثلا اگر دست راستش قطع شده است می تواند دست راست جنایت کننده را قطع نماید .(2) یا اینکه اگر کسی از روی عمد دیگری را بکشد ، خانواده و ورثه او می توانند قصاص نمایند و قاتل را بکشند(3).

البته اگر جنایت دیده یا اولیاء مقتول همانطور که در

1- سوره نساء آیه 92
2- تحریر الوسیله ترجمه ج4 ص 324
3- همان ص 315

آیه شریفه قرآن ذکر شده است(1)

، از قصاص صرفنظر نمایند در اینصورت جنایت کننده یا قاتل موظف است که در مقابل این جنایت مالی را پرداخت نماید.

به مالی که پرداخت می نماید «دیه» گفته می شود . این جنایت می تواند قتل یا کمتر از آن باشد مانند قطع یا نقص عضو ، جراحت و ... (2) . در نوشتار حاضر به برخی از آنها اشاره می شود:

قتل

«وَ لا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتی حَرَّمَ اللَّهُ إِلاَّ بِالْحَقِّ »(3)

«و انسانی را که خداوند محترم شمرده، به قتل نرسانید! مگر بحق (و از روی استحقاق)»

همانطور که گفته شد ورثه کسیکه کشته شده است می توانند با شرائط خاصی درخواست قصاص نمایند ولکن اگر از این حق خود دست بردارند می توانند دیه دریافت نمایند. مقدار این دیه «در قتل عمد، که دیه تعیین می شود ، «یک صد شتر» یا «دویست گاو» یا «هزار گوسفند» یا «دویست حله» یا «هزار

1- سوره مائده آیه 45 فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ کَفَّارَهٌ لَه ، و اگر کسی آن را ببخشد (و از قصاص، صرف نظر کند)، کفاره (گناهان) او محسوب می شود
2- تحریر الوسیله - ترجمه، ج 4، ص: 349
3- سوره انعام آیه 151

دینار» (59940 گرم معادل 59کیلو و 940 گرم طلا) یا «ده هزار درهم» (419580 گرم 419.58گرم نقره) می باشد.»(1)

سقط جنین

رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله فرمودند:

ازدواج کنید (تا نسلتان زیاد شود) زیرا من به کثرت شما در روز قیامت بر سایر امم افتخار و مباهات می کنم حتی جنین سقط شده خشمگین بر در بهشت می ایستد، به او می گویند وارد بهشت شو، می گوید: تا پدر و مادرم پیش از من به بهشت نروند قدم در بهشت نخواهم گذاشت.(2)

خداوند از اولین لحظاتی که خلقت یک انسان آغاز می شود او را موجودی محترم می داند حتی اگر هنوز متولد نشده باشد . این مسئله از تعیین دیه برای جنایت هایی که به جنین وارد می شود روشن است.

«جنین چهل روزه اگر بصورت علقه درآمده بود، دیه ی

1- تحریر الوسیله ج4 ص 351
2- کافی ط اسلامیه ج 5 ص 334 باب فضل الابکار : تَزَوَّجُوا الْأَبْكَارَ فَإِنَّهُنَّ أَطْيَبُ شَيْ ءٍ أَفْوَاهاً وَ فِی حَدِيثٍ آخَرَ وَ أَنْشَفُهُ أَرْحَاماً وَ أَدَرُّ شَيْ ءٍ أَخْلَافاً وَ أَفْتَحُ شَيْ ءٍ أَرْحَاماً أَ مَا عَلِمْتُمْ أَنِّی أُبَاهِی بِكُمُ الْأُمَمَ- يَوْمَ الْقِيَامَهِ حَتَّی بِالسِّقْطِ يَظَلُّ مُحْبَنْطِئاً عَلَی بَابِ الْجَنَّهِ فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ ادْخُلِ الْجَنَّهَ فَيَقُولُ لَا أَدْخُلُ حَتَّی يَدْخُلَ أَبَوَایَ قَبْلِی فَيَقُولُ اللَّهُ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی لِمَلَکٍ مِنَ الْمَلَائِکَهِ ائْتِنِی بِأَبَوَيْهِ فَيَأْمُرُ بِهِمَا إِلَی الْجَنَّهِ فَيَقُولُ هَذَا بِفَضْلِ رَحْمَتِی لَک

اسقاط آن سی مثقال (بازاری) طلا است و دیه به عهده کسی است که مباشر در سقط آن بوده است»(1)

دیه جنینی که سن او بین 22 تا 48 روز بوده، 20 دینار شرعی معادل 15 مثقال (بازاری) طلا (1198.8 گرم) می باشد. (2)

مسئله جزئیات فراوانی دارد که بر جوینده لازم رساله عملیه مراجع تقلید را مطالعه نماید.

سرخ شدن بدن

دیه ای که برای سیلی زدن و مانند آن که صورت به وسیله آن سیاه شود بدون آنکه مجروح و شکسته شود ارش آن شش دینار است. و اگر سبز شود و سیاه نگردد سه دینار است.و اگر سرخ شود یک دینار و نصف می باشد. و در بدن نصف است؛ پس در سیاه شدن آن سه دینار. و در سبز شدن آن یک دینار و نصف. و در سرخ شدن آن سه چهارم دینار است. و بین مرد و زن و کوچک و بزرگ و همچنین بین اجزای بدن- دیه مقرّری داشته باشد یا نه- و رنگ تمام صورت را گرفته باشد یا نه، اثر آن مدتی باقی بماند یا نه، فرقی ندارد. ولی اگر لطمه در سر باشد ظاهر آن است که به حکومت تعیین می شود. و اگر جنایت آن

1- http://www.leader.ir/langs/fa
2- http://www.sistani.org/persian/qa

را متورم کند بدون آنکه رنگش تغییر یابد پس تعیین ارش به حکومت می باشد. و اگر هر دو را حادث کند ظاهر آن است که تقدیر و حکومت هر دو ثابت است.(1)

مال پیدا شده (لُقَطه)

در میان احکامی که طلا و نقره نقش دارد به مسائلی برمی خوریم که راجع به اموالی است که توسط مکلفین پیدا شده است . حضرت امام خمینی رحمه الله علیه در این باره می فرمایند: «اگر مالی پیدا کند که نشانه دارد و قیمت آن از 6/12 نخود نقره سکه دار کمتر است:

1- چنانچه صاحب آن معلوم باشد و انسان نداند راضی است یا نه، نمی تواند بدون اجازۀ او آن را بردارد.

2- اگر صاحب آن معلوم نباشد می تواند به قصد این که ملک خودش شود بردارد. در این صورت اگر تلف شود نباید عوض آن را بدهد بلکه اگر قصد ملک شدن هم نکرده و بدون تقصیر او تلف شود دادن عوض بر او واجب نیست.»(2)

در تعیین مقدار مال پیدا شده ای که با پیدا کردنش این احکام بار می شود می توان اینگونه گفت: که هر نخود 3.330 گرم است . حاصل ضرب 12.6 در 3.330 می شود

1- تحریر الوسیله - ترجمه، ج 4، ص: 427
2- مسأله 2438

41.958 گرم . بنابراین اگر کسی شیئی را پیدا کند که ارزشش کمتر از 41.958 گرم (0.525 مثقال بازاری) باشد اگر صاحبش معلوم نباشد می تواند برای خودش بردارد.

ص: 112

21. قرآن

22. نهج البلاغه

23. صحیفه سجادیه

24. أجوبه السائلین-لنکرانی، محمد فاضل موحدی-متوفی: 1428 ه ق/ عربی- وزیری- 1 جلدی-ناشر: دفتر حضرت آیه الله-تاریخ نشر: 1416 ه ق-نوبت چاپ: اول-مکان چاپ: قم- ایران

25. اجوبه الاستفتائات-خامنه ای، سید علی بن جواد حسینی-فارسی- وزیری-دفتر معظم له در قم-تاریخ نشر: 1424 ه ق-نوبت چاپ: اول-مکان چاپ: قم- ایران

26. استفتائات آیه الله بهجت گیلانی، فومنی، محمد تقی بهجت/متوفی 1430 ه ق- فارسی-وزیری- 4 جلدی-ناشر: دفتر حضرت آیه الله بهجت-تاریخ نشر: 1428 ه ق-نوبت چاپ:

اول-مکان چاپ: قم- ایران

27. استفتائات حضرت امامخمینی، سید روح اللّه موسوی-متوفی: 1409 ه ق-فارسی-جیبی-3جلدی- دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم-تاریخ نشر: 1422 ه ق-نوبت چاپ: پنجم-مکان چاپ: قم- ایران

28. أوزان المقادیر-اصفهانی، مجلسی دوم، محمد باقر بن محمد تقی-متوفی 1110 ه ق- عربی- جیبی-1 جلدی-ناشر: کتابفروشی بصیرتی-نوبت چاپ: اول-مکان چاپ: قم- ایران-محقق، مصحح: علی رضا رحیمی ثابت-ملاحظات: این کتاب همراه" مسکن الفؤاد" تألیف شهید ثانی چاپ شده و از روی نسخه حجری که در سال 1310 ه ق به چاپ رسیده عکس برداری شده است

29. ترجمه تحریر الوسیله : خمینی، سید روح اللّه موسوی-مترجم: اسلامی، علی-متوفی: 1409 ه ق- فارسی- وزیری- 4 جلدی-ناشر: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم-تاریخ نشر: 1425 ه ق-نوبت چاپ: 21-مکان چاپ: قم- ایران

30. توضیح المسائل امام : خمینی، سید روح اللّه موسوی-متوفی: 1409 ه ق- فارسی- وزیری- 1 جلدی-تاریخ نشر: 1426 ه ق-نوبت چاپ: اول-محقق- مصحح: مسلم قلی پور گیلانی

31. توضیح المسائل آیه الله بهجت گیلانی، فومنی، محمد تقی

بهجت-متوفی: 1430 ه ق- فارسی- وزیری- 1 جلدی-ناشر: انتشارات شفق-تاریخ نشر: 1428 ه ق-نوبت چاپ: 92-مکان چاپ: قم- ایران

32. توضیح المسائل آیه الله وحید خراسانی - خراسانی، حسین وحید- فارسی- وزیری- 1 جلدی- ناشر: مدرسه امام باقر علیه السلام-تاریخ نشر: 1428 ه ق-نوبت چاپ: نهم-مکان چاپ: قم- ایران

33. جامع الأحکام- گلپایگانی، لطف الله صافی- فارسی- وزیری- 2 جلدی- ناشر: انتشارات حضرت معصومه سلام الله علیها-تاریخ نشر: 1417 ه ق- نوبت چاپ: چهارم-مکان چاپ: قم- ایران

34. حدود و قصاص و دیات (مجلسی)- اصفهانی، مجلسی دوم، محمد باقر بن محمد تقی-متوفی: 1110 ه ق-فارسی- وزیری- 1 جلدی-ناشر: مؤسسه نشر الآثار الإسلامیه-نوبت چاپ: اول-مکان چاپ: قم- ایران- محقق-مصحح: علی فاضل

35. الخصال- ابن بابویه، محمد بن علی-متوفی: 381 ق-محقق ، مصحح: غفاری، علی اکبر-اخلاقی- عربی

36. دعائم الإسلام- ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی-متوفی: 363 ق- محقق ، مصحح: فیضی، آصف- فقهی- عربی

37.رجال کشی-اختیار معرفه الرجال- تاریخ فقیهان و راویان- کشّی، ابو عمرو، محمد بن عمر بن عبد العزیز-متوفی: نیمه

اول قرن 4 ه ق- عربی- وزیری-

1 جلدی-ناشر: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد-تاریخ نشر: 1490 ه ق/مکان چاپ: مشهد- ایران-محقق، مصحح: دکتر حسن مصطفوی

38. رساله توضیح المسائل- لنکرانی، محمد فاضل موحدی-متوفی: 1428 ه ق- فارسی- وزیری- 1 جلدی-تاریخ نشر: 1426 ه ق-نوبت چاپ: صدوچهاردهم-مکان چاپ: قم- ایران

39. رساله توضیح المسائل-شیرازی، ناصر مکارم-فارسی-وزیری-1 جلدی-ناشر: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام-تاریخ نشر: 1429 ه ق/نوبت چاپ: پنجاه ودوم-مکان چاپ: قم- ایران

40. روضه الواعظین و بصیره المتعظین(ط- القدیمه)- فتال نیشابوری، محمد بن احمد-متوفی: 508 ق- عربی- 2جلدی-ناشر: انتشارات رضی-مکان چاپ: ایران؛ قم-سال چاپ: 1375 ش-نوبت چاپ: اول

41. العروه الوثقی مع تعالیق الإمام الخمینی- یزدی، سید محمد کاظم طباطبایی-متوفی: 1337 ه ق- عربی- وزیری- 1 جلدی-ناشر: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره-تاریخ نشر: 1422 ه ق-نوبت چاپ: اول-مکان چاپ: تهران- ایران-شارح: خمینی، سید روح اللّٰه موسوی-وفات شارح: 1409 ه ق

42. فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام- جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، سید محمود هاشمی-

فارسی- وزیری 3 جلدی-ناشر: مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام-تاریخ نشر: 1426 ه ق-نوبت چاپ: اول-مکان چاپ: قم- ایران/محقق مصحح: محققان مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی

43. قوانین مجازات اسلامی؛

44. الکافی(ط- الإسلامیه)- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق-متوفی: 329 ق-محقق ، مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد عربی- 8جلدی-ناشر: دار الکتب الإسلامیه-مکان چاپ: تهران-سال چاپ: 1407 ق-نوبت چاپ: چهارم-

45. کتاب التفسیر(تفسیر عیاشی)- عیاشی محمد بن مسعود- روایی-قرن: چهارم- عربی- شیعی- چاپخانه علمیه-مکان چاپ: تهران-سال چاپ: 1380 ق-تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی-توضیح: تفسیر سوره حمد تا کهف .

46. مصطلحات الفقه- مشکینی، میرزا علی-متوفی: 1428 ه ق- عربی- وزیری- 1 جلدی

47.معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرجال- خویی، سید ابو القاسم موسوی-متوفی: 1413 ه ق- عربی-وزیری 24 جلدی

48. منابع فقه شیعه- بروجری، آقا حسین طباطبایی- مترجمان: حسینیان قمی، مهدی- صبوری، محمد حسین-متوفی: 1380 ه ق فارسی- وزیری 31 جلدی-ناشر: انتشارات فرهنگ سبز-تاریخ نشر: 1429 ه ق-نوبت چاپ:

اول-مکان چاپ: تهران- ایران-ملاحظات: تهیه کننده:اسماعیل تبار، احمد-حسینی، سید احمدرضا

49. منهاج الصالحین-سیستانی، سید علی حسینی-عربی- وزیری- 3 جلدی-ناشر: دفتر حضرت آیه الله سیستانی-تاریخ نشر: 1417 ه ق-نوبت چاپ: پنجم-مکان چاپ: قم- ایران

50. نجاه العباد- خمینی، سید روح اللّه موسوی-متوفی: 1409 ه ق فارسی- وزیری- 1 جلدی-ناشر: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره-تاریخ نشر: 1422 ه ق-نوبت چاپ: اول-مکان چاپ: تهران-ایران

51. نهج الفصاحه(مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)- پاینده، ابو القاسم-متوفی: 1363 ش

52. الوافی- فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی-متوفی 1091 ق- عربی- 26جلدی-ناشر: کتابخانه امام أمیر المؤمنین علی علیه السلام-مکان چاپ: اصفهان-سال چاپ: 1406 ق-نوبت چاپ: اول

53. وسائل الشیعه- شیخ حر عاملی، محمد بن حسن -متوفی: 1104 ق-محقق ، مصحح: مؤسسه آل البیت علیهم السلام- عربی- 30جلدی-ناشر: مؤسسه آل البیت علیهم السلام-مکان چاپ: قم-سال چاپ: 1409 ق-نوبت چاپ: اول

54. هدایه الأمه إلی أحکام الأئمه- منتخب المسائل- عاملی، حرّ، محمد بن حسن-متوفی: 1104 ه ق- عربی- وزیری- 8 جلدی-ناشر: مجمع البحوث الإسلامیه-تاریخ نشر: 1412

ه ق-نوبت چاپ: اول-مکان چاپ: مشهد- ایران-محقق، مصحح: بخش حدیث در جامعه پژوهش های اسلامی

55. سایت دانشنامه آزاد ویکی پدیا

56.سایت تبیان www.tebyan.net

57.سایت دانشگاه علوم پزشکی ایلام

58. http://tabriztala.e-senf.com

59.http://www.leader.ir/langs/fa

60. www.sistani.org/persian/qa

عناوین منتشر شده از مجموعه فقه

موضوع احکام مسجد

مؤلف محمدحسین فلاح زاده

احکام تاکسیرانی مهدی رفیعی

احکام معاملات ملکی اسماعیل محمدی

احکام پرستاری فاطمه استشاره

احکام اعتکاف محمد حسین فلاح زاده

احکام آرایشگری مریم واعظ

احکام رستوران ها و تالارهای پذیرایی جواد افتخاری

احکام کشتیرانی علی اکبرسرشار

احکام هتل داری حسینیه عظیمی

احکام مسکن غلامرضا قلی زواره

احکام جشن و شادمانی شمس الله صفرلکی

احکام تربیتی و ورزشی بانوان اعظم سپهری یگانه

احکام عکاسی عزت احمدی

احکام سینما و فیلم سازی سعید عباس زاده

احکام شیرینی پزی و قنادی محمد زراعتی

احکام انتخابات سید صیف الله نحوی

احکام مدیریت و کارمندی محمد علی بخشی

احکام و آداب حجاب و عفاف طاهره جباری

احکام و آداب معلمان و استادان مسعود صفی یاری

احکام و آداب دانش آموزی و دانشجویی مسعود صفی یاری

ص: 120

درباره مرکز

بسمه تعالی
هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
آیا کسانی که میدانند و کسانی که نمیدانند یکسانند ؟
سوره زمر/ 9

مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال 1385 هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:
1.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
2.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
3.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
4.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
5.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
6.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:
1.عمل بر مبنای مجوز های قانونی
2.ارتباط با مراکز هم سو
3.پرهیز از موازی کاری
4.صرفا ارائه محتوای علمی
5.ذکر منابع نشر
بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :
1.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
2.برگزاری مسابقات کتابخوانی
3.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
4.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
5.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
6.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
7.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
8.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
9.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
10.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
11. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در 8 فرمت جهانی:
JAVA.1
ANDROID.2
EPUB.3
CHM.4
PDF.5
HTML.6
CHM.7
GHB.8
و 4 عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :
ANDROID.1
IOS.2

WINDOWS PHONE.3
WINDOWS.4
به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .
درپایان :
از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول
وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: 03134490125
دفتر تهران: 88318722 ـ 021
بازرگانی و فروش: 09132000109
امور کاربران: 09132000109